

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

شرح دعای سلاهی امامان

محسن قرائتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۴	 مقدمه
۱۳	 بررسی مقدمه دعا
۲۱	 شرح عبارات دعا
۲۲	 اللَّهُمَّ
۲۴	 كُنْ
۲۷	 لَوْلِيكَ
۲۹	 الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
۳۱	 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
۳۵	 فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
۳۷	 وَلِيًّا
۴۰	 وَحَافِظًا
۴۷	 وَقَائِدًا
۴۸	 وَنَاصِرًا
۵۲	 وَدَلِيلًا
۵۳	 وَعَيْنًا
۵۴	 حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
۵۸	 وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا
۶۱	 فَوَائِدِ قُرَائَتِ دَعَايِ سَلَامَتِي
۷۳	 شَرَايِطِ اسْتِجَابَتِ دَعَا
۷۷	 كِتَابِ نَامَه

مقدمه

ارزش و اعتبار انسان به دعاست. خداوند می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.

دعا در روایات، هم‌سنگ نماز، ستون دین^۲، عبادت^۳ و بلکه بزرگ‌ترین عبادت^۴، نور زمین و آسمان^۵ و نیز کلید پیروزی و رستگاری^۶، سلاح مؤمن^۷ و نافذتر از نیزه^۸ بیان شده است.

پیامبر ﷺ فرمودند: «الدَّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^۹؛ مغز عبادت، دعاست؛ یعنی روح عبادت، دعاست. امیرالمؤمنین

۱. فرقان، آیه ۷۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. همان، ص ۴۶۷.

۴. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۴۵۱.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۶. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۳۴۱؛ ج ۹۳، ص ۳۰۰.

۷. مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۸.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۲.

۹. إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۴۸.

علی علیه السلام فرمودند: «الدَّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَمِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»^۱؛
دعا، کلید رحمت و چراغ تاریکی هاست.

همان گونه که روایت شده: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»^۲، در
حدیث دیگری نیز آمده است: «الدَّعَاءُ عَمُودُ الدِّينِ»^۳؛ دعا،
ستون دین است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «أَحَبُّ
الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدَّعَاءُ»^۴؛ محبوب ترین
کارها نزد خدا در زمین، دعا است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدَّعَاءِ»^۵؛
ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد. و امام
صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا
بِمَسْأَلَةٍ»^۶؛ همانا در پیشگاه خداوند، مقام و منزلتی وجود
دارد که جز با دعا و نیایش به دست نمی آید.

ایشان در روایت دیگری فرمودند:

إِنَّ الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا^۷؛
دعا، قضایی را که از آسمان نازل شده باشد، برمی گرداند؛
اگرچه آن قضا، محکم و مبرم شده باشد.
یعنی اگر چیزی برای انسان مقدر شده باشد، با دعا
می شود آن را عوض کرد؛ اگرچه محکم و استوار شده باشد.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. همان، ص ۴۶۷.

۵. أمالی (مفید)، ص ۳۱۷.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶.

۷. همان، ص ۴۶۹.

از مسائل مهمی که جزو نیازهای انسان به شمار می‌آید، دعا و نیایش است. دعا مثل خداجویی، از فطرت و ضمیر آدمی نشئت می‌گیرد. وقتی سیر و سیاحتی در این کرهٔ خاکی می‌کنیم و با ملت‌ها و ادیان گوناگون و سنن و رسوم متفاوت آن‌ها روبه‌رو می‌شویم، می‌بینیم که هر کدام برای خود، اوراد، اذکار و دعا‌های مخصوصی دارند و هیچ جای دنیا را نمی‌یابیم که مردمش از دعا جدا و بی‌نیاز باشند؛ حتی آن‌هایی که بت می‌پرستند هم در معابدشان به خاک می‌افتند و دعا می‌خوانند.

شیخ جواهر طنطاوی، صاحب تفسیر معروف *طنطاوی*، از علمای بزرگ مصر است. او در اواخر عمرش با *صحیفهٔ سجادیه* آشنا می‌شود و پس از آشنایی با این کتاب ارزش‌مند، نامه‌ای به آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله می‌نویسد که جداً خواندنی است. او در قسمتی از آن نامه می‌نگارد:

این از بدبختی من بوده که تا امروز به این اثر جاودانه‌ای که از زبان اهل بیت نبوت علیهم‌السلام صادر شده است، توجه نکرده‌ام! من هرچه در این کتاب دقت می‌کنم، آن را بالاتر از کلام مخلوق و پایین‌تر از کلام خالق می‌بینم.^۱

دعای عرفه، دعای کمیل، دعای ندبه، مناجات شعبانیه و باقی ادعیه، حقایقی هستند که اگر بتوانیم با آن‌ها انس پیدا کرده و لذت خواندن آن‌ها را درک کنیم و سپس به دیگران

۱. جریان این نامه‌نگاری در *صحیفهٔ سجادیه* با مقدمهٔ آیت‌الله مرعشی ذکر شده است.

منتقل کنیم، در رفع مہجوریت و مظلومیت اہل بیت علیہم السلام کار بزرگی انجام دادہ ایم.

آیت اللہ مروی نقل می کند:

عصرِ روزی کہ حجاج ایرانی را در عربستان کشتند، حکومت عربستان با دکتر «عَدِّ مَرْدَاشِ الْعُقَیْرِی» تماس گرفت. او نویسنده ای معروف و از حقوق دان های درجہ یک جهان عرب و مشاور حقوقی حُسنی مبارک بود و پطرس غالی نیز از او دعوت کردہ بود بہ عنوان مشاور حقوقی، بہ سازمان ملل برود. در تماسی کہ با او گرفتند، گفتند: «سریع بہ عربستان بیا کہ اگر ایران از این جریان بہ مجامع بین المللی شکایت کرد، شما بہ عنوان مشاور حقوقی ملک فہد بتوانی از نظر حقوقی این کشتار را توجیہ کنی و این قضیہ را قانونی جلوه دهی!» دکتر عَدِّ مَرْدَاش روز قبل از عرفہ بہ عربستان می رود، مُحرم می شود و در عرفات در خیمہ رؤسای وہابیت مستقر می شود. آن ها برای او توجیہ می آورند کہ: «ایرانی ها مشرک و مرتدند و می خواستند خانہ خدا را خراب کنند؛ ما ہم آن ها را کشتیم. حالا شما جریان حقوقی اش را درست کن!» عصر عرفہ، دکتربہ دو - سه نفر از ہمراہانش کہ از حکومت سعودی بودند، می گوید: «مرا سمت چادر ایرانی ها ببرید تا ببینم آن ها چہ کار می کنند!» بہ طرف چادر ایرانی ها می آید و می بیند صدای ضجہ و گریہ بلند است و دعایی می خوانند. میخکوب می شود. کنار یکی از چادرها می نشیند و گوش می دہد. ہرچہ اطرافیان می گویند برویم، قبول نمی کند و تا آخرِ دعا همان جا می نشیند. بعداً

متوجه می‌شود که ایرانی‌ها دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) را قرائت می‌کنند؛ دعایی که امام با قرائت آن، با خدا راز و نیاز کرده است. با خود می‌گوید: «این‌ها مشرکند؟ این‌هایی که این حقایق بلند را دارند که من در طول عمرم نشنیده بودم، چگونه مشرکند؟!» او وقتی به مصر برمی‌گردد، تحقیقاتی درباره تشیع می‌کند و سرانجام شیعه می‌شود. چند کتاب از ایشان منتشر شده که در یکی از آن‌ها، مفصل توضیح داده که چطور شیعه شده است.^۱

دعا، آثار بسیار شگرفی بر زندگی انسان و روح و روان او دارد. دعا، انسان را به خدا نزدیک می‌کند، او را بنده خدا می‌کند، به او امید و تحرک می‌دهد و رابطه انسان با خدا را مستحکم و قوی می‌گرداند.

بنابراین، دعا جزو مسائل فطری ماست و نمک‌شناسی است که انسان فقط در مواقع گرفتاری و هجوم مشکلات، به درگاه الهی التجا و انابه کند و همین که حاجتش برآورده شد و به مرادش رسید، دست از دعا و نیایش بردارد و از آن بدتر، گاهی ناسپاسی و طغیان کند:

«وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ»^۲؛ چون انسان را سختی رسد، پروردگار خویش را بخواند و به سوی او بازگردد، و چون خدا نعمتی از جانب خویش به او دهد، آن سختی را - که سابقاً

۱. ابن سخنان در پایان درس کفایة الاصول، جلد اول، جلسه ۳۷ ایراد شده است.

۲. زمر، آیه ۸.

خدا را برای رفع آن می خواند - فراموش کند.
به راستی، راز و رمز فضیلتِ دعا و تأکید آن در آیات و روایات در چیست؟ نیایش چه ضرورتی دارد و چرا انسان باید دعا کند؟

دعا، نوعی ارتباط با خالق و درخواست از او و ابراز نیاز به درگاه اوست؛ چنان که پروردگار در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ ای مردم! شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی نیاز ستوده است. و در آیه ای دیگر می فرماید: «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ»^۱؛ خداوند، بی نیاز [مطلق] است و شما باید که نیازمندید.

انسانی که این حقیقت (فقر محض) را درک کند و خود را محدود و سرتا پا نیاز ببیند، و از سوی دیگر بفهمد پروردگارش، بی همتا، بخشنده، مهربان و غنی است، به ضرورت دعا پی می برد و با افتخار و سربلندی، دست نیاز به آستان کبریایی او بلند می کند. او از ذات بی همتای الهی مدد می طلبد و این مسئله را برای خود و هم نوعانش ضروری می داند. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «أَعْلَمُ النَّاسُ بِاللَّهِ أَكْثَرُهُمْ لَهُ مَسْأَلَةٌ»^۲؛ خداشناس ترین مردم، پر درخواست ترین آن هاست؛ به عبارت دیگر، آن کس که بیش تر از همه دعا می کند، بیش از دیگران خدا را می شناسد.

امامان علیهم السلام که به این حقیقت، معرفت کامل داشته و

۱. فاطر، آیه ۱۵.

۲. محمد، آیه ۳۸.

۳. غررالحکم، ص ۱۹۲.

عجز و فقر خود را بیش تر احساس می کردند، از همه انسان ها بیش تر دعا می کردند. آنان با بی نیازی از مردم و آنچه در دست آنان است، خود را فقیر محض درگاه الهی معرفی می کردند. امام حسین علیه السلام در دعای عرفه، خود را این گونه معرفی می فرماید:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؛ خدایا!
من در حال بی‌نیازی، فقیرم؛ پس چگونه در حال فقر، نیازمند
و فقیر نباشم؟!

بنابراین، هر کس این ضرورت را احساس نکند و بپندارد که از خدا بی‌نیاز است، قطعاً در برهوت طغیان سقوط می‌کند. خداوند متعال که خالق همه موجودات است و کاملاً به نظام وجودی انسان آگاهی دارد، در این باره می‌فرماید:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۱؛ «حقاً كه انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز بپندارد.

آری، دعا از عبادت‌های عظیم به شمار می‌رود و آثار فراوانی دارد. و دعا به ساحت مقدس امام زمان عَجَّالَهِ تَعَالَى وَفَرَجَهُ الشَّرِيفَ که ولی نعمت ما و واسطه فیض الهی است، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه:

- دعا کردن، راهی است برای آن که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاد کنیم و با آن عزیز، ارتباط روحی و معنوی بگیریم. این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

١. بحار الأنوار، ج ٩٥، ص ٢٢٤.

۲. علق، آیات ۶-۷.

- دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت به اوست و قطعاً از سوی آن امام کریم، بی پاسخ نخواهد ماند و ایشان، دعاکننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

- دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن، و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سببِ بیشتر شدن محبت آن بزرگوار در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد.

چه زیباست که بهترین حالات خودمان را به بهترین فرد اختصاص دهیم! دعا، بهترین حالتِ انسان است و باید به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهترین مخلوق خداوند متعال، اختصاص یابد.

در این میان، دعای سلامتی آن حضرت، جایگاه والایی دارد. علما و محدثان بزرگ شیعه، از قرن‌های گذشته تا کنون، این دعای شریف را در متون اولیه و کتب معتبر، به مناسبت اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ثبت و ضبط کرده‌اند. از جمله علمایی که به ذکر این دعا پرداخته‌اند می‌توان به: ثقة الاسلام محمد بن یعقوب اسحاق کلینی رحمته الله (م. قرن چهارم قمری) در کتاب ارزشمند *الکافی*، شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی رحمته الله (م. قرن پنجم قمری) در دو کتاب ارزشمند *تهذیب الأحکام* و *مصابح المتعبد* و *سلاح المتعبد*، محمد بن جعفر مشهدی حائری رحمته الله (م. قرن ششم قمری) در کتاب ارزشمند *المزار الکبیر*، علی بن موسی

بن طاووس حلی رحمته الله (م. قرن هفتم قمری) در دو کتاب الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة و فلاح السائل، شیخ تقی الدین ابراهیم کفعمی رحمته الله (م. قرن دهم قمری) در جنة الأمان الواقعیة و جنة الإیمان الباقیة (مشهور به مصباح والبلد الأمين و شیخ جلیل، حسن بن سلیمان حلی رحمته الله (م. قرن نهم هجری) در کتاب مختصر بصائر الدرجات اشاره کرد.^۱ با توجه به منابع یادشده، ارزش و اهمیت این دعا کاملاً روشن می نماید.

۱. البته علمای دیگری نیز این دعا را نقل فرموده اند؛ مانند: علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۴۹؛ محدث نوری در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۸۳ و نجم الثاقب، ص ۷۵۷؛ محدث قمی در مفاتیح الجنان و سفینه البحار و



بررسی مقدمهٔ دعا

در آغاز این دعا آمده است:

تُكْرِّرُ [كَرْرًا] فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ
سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ
أَمَكْنَكَ وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ...؛ این دعا را در شب بیست و سوم
ماه رمضان، در حال سجده، ایستاده، نشسته و در همه حال
و بلکه در همه این ماه و هر گونه که برایت ممکن است و تا
زمانی که زنده هستی، تکرار کن. بعد از تمجید خداوند متعال
و صلوات بر پیامبر ﷺ بگو....

از این مقدمه نتیجه می گیریم:

۱. تکرار دعا، مطلوب است و یکی از ابزار ارتباط مؤثر
خلق با خالق به شمار می آید (تُكْرِّرُ).

۲. از شرایط مقدماتی دعا، تمجید و تکریم پروردگار
متعال، و درود و سلام بر آخرین پیامبر ﷺ و اهل بیت اوست.
شایسته است برای خواندن این دعا نیز ابتدا تحمید و تمجید
کرد (تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ).

۳. در بهترین ماه و شب سال (ماه رمضان و شب قدر) و
بلکه در همه حال، باید برای امام زمان عَجَلَاللهُ تَعَالَى وَفَتْحُهُ الشَّرِيفُ دعا کرد، چراکه
او واسطه فیض و سبب اتصال زمین و آسمان است (فِي لَيْلَةٍ
ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ... وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ).
ورود این دعا در شب قدر، اهمیت ویژه ای دارد، زیرا
پیامبر ﷺ و اهل بیت عليهم السلام برا حیای شب قدر و سپری کردن
آن با دعا و نماز و قرآن، بسیار سفارش کرده اند. در حدیثی

طولانی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

حضرت موسیٰ علیهِ السَّلَام به خدا عرض کرد: «خدایا! مقام قربت را خواهانم.» پاسخ آمد: «قُربى لِمَنْ اسْتَيْقَظَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ قُرب من، برای کسی است که در شب قدر بیدار ماند. عرضه داشت: «پروردگارا! رحمتت را خواستارم.» پاسخ آمد: «رَحْمَتى لِمَنْ رَجَمَ الْمَسَاكِينَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ رحمت من در ترحم بر مساکین در شب قدر است. گفت: «خدایا! جواز عبور از صراط می‌خواهم.» پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ رمز عبور از صراط، صدقه دادن در شب قدر است. عرض کرد: «خدایا! بهشت و نعمت‌های آن را می‌طلبم.» پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ دست‌یابی به آن، در گرو تسبیح گفتن در شب قدر است. عرضه داشت: «پروردگارا! خواهان نجات از آتش دوزخم.» پاسخ آمد: «ذَلِكَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ رمز نجات از دوزخ، استغفار در شب قدر است. در پایان گفت: «خدایا! رضای تو را می‌طلبم.» پاسخ آمد: «رِضَاى لِمَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ کسی مشمول رضای من است که در شب قدر نماز بگزارد.^۱

شاید رمز تقارن شبِ «تقدیرِ بشر» با شبِ «نزولِ قرآن» در آن باشد که سرنوشت بشر وابسته به قرآن است؛ اگر انسان پیرو قرآن باشد، سعادت‌مند و رستگار خواهد شد و اگر دور از قرآن باشد، شقاوت و بدبختی برای او رقم خواهد خورد. و چه زیباست اگر در شب نزول قرآن صامت، با دعا برای

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰.

قرآن ناطق، بر بهره خود بیفزاییم، چراکه در روایات آمده است: «انجام کار نیک در شب قدر، بهتر از انجام آن در هزار ماه بدون شب قدر است.»^۱ و چه کار نیکی بهتر از دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؟!

در شب قدر، سرنوشت همه انسان‌ها به محضر و امضای امام می‌رسد؛ پس شایسته است که انسان مؤمن، دعاهايش را به او اختصاص دهد، زیرا او صاحبِ شب قدر است.

سید بن طاووس پیش از ذکر این دعا می‌گوید: از وظایف هر شبِ روزه‌دار، آن است که ابتدا دعایش را با ذکر کسی آغاز کند که نایب خدا در میان بندگان و قیّم روزه‌گیران است و اعمالش را نیز به ذکر او ختم کند.^۲

آیت الله صافی نیز می‌نویسد: «از جمله وظایف مهم شب قدر، تجدید عهد با ولیّ امر و خواندن این دعاست.»^۳

آنچه حایز اهمیت است، آن است که سفارش شده در میان اعمال فراوان شب قدر، این دعا در حالات گوناگون، یعنی در قیام، قعود و... خوانده شود؛ دعایی که در حقّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و واسطه همه فیض‌های جهان است. یعنی خدا را در بهترین شب، برای بهترین فرد و با بهترین عمل بخوانیم. از دقت در سوره «قدر» می‌آموزیم که: اولاً، زمان‌ها یکسان نیستند، بلکه بعضی زمان‌ها بر بعضی دیگر برتری دارد؛ و ثانیاً، برای امور مقدس، زمان مقدس انتخاب کنیم: «لَيْلَةٌ

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲. اقبال الأعمال، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳. ماه مبارک رمضان، مکتب عالی اخلاق و تربیت، ص ۷۴.

الْقَدْرَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ».

۴. ذکر این دعا در اعمال شب بیست و سوم هم اهمیت دارد. کسی از پیامبر ﷺ پرسید: «منزل ما از مدینه دور است. يك شب را به عنوان شب قدر معین فرمایید تا برای احیای آن، به شهر بیاییم!» حضرت فرمود: «شب بیست و سوم به مدینه بیا.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز در یکی از سال‌ها، در شب بیست و سوم ماه رمضان بیمار بودند؛ با این حال، از اطرافیان خواستند که ایشان را به مسجد ببرند.^۲ هم‌چنین حضرت فاطمه علیها السلام در این شب با پاشیدن آب به صورت بچه‌ها، مانع خوابیدن آن‌ها می‌شدند.^۳

در روایات آمده است: «پیامبر ﷺ در دهه آخر ماه رمضان، بستر خوابشان را جمع می‌کردند و آن ده شب را احیا می‌داشتند.»^۴ البته در این حدیث، لفظ «شب» آمده که روشن می‌سازد، شب جایگاه ویژه‌ای در مسائل معنوی دارد. در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم تا قدر شب‌های عمرمان را بیشتر و بهتر بدانیم و آن را به غفلت نگذرانیم:

- خداوند برای اهدای تورات، حضرت موسی علیهما السلام را به مناجات شبانه فرا خواند: «أُزْبِعِينَ لَيْلَةً».^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۶۹.

۳. همان، ج ۹۴، ص ۱۰.

۴. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۷.

۵. بقره، آیه ۵۱.

- قرآن، زمان مناسب برای استغفار را هنگام سحر معرفی می‌کند: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ».^۱

- عروج پیامبر ﷺ به آسمان، به هنگام شب بود: «أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ».^۲

- پیامبر ﷺ مأمور بود که مناجات و عبادات شبانه داشته باشد: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ»^۳؛ «فِمْ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا».^۴

- خداوند، عابدان در شب را ستایش می‌کند: «يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ»^۵؛ و به تسبیح در شب سفارش می‌فرماید: «وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا».^۶

- خداوند در قرآن، به زمان طلوع فجر و هنگام عصر، یک بار سوگند یاد کرده است، ولی به زمان سحر، سه بار: «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ»^۷؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَ»^۸؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ».^۹

۵. دعا کردن برای ولی نعمت و امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَجْعَهُ الشَّرِيفَ ساعت خاصی ندارد، بلکه باید تمام لحظات را با یاد او سپری کرد (وَمَتَّى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ).

تکرار این دعا در هر شبانه‌روز و در نمازها، شایسته و

۱. ذاریات، آیه ۱۸.

۲. اسراء، آیه ۱.

۳. همان، آیه ۷۹.

۴. مزمل، آیه ۲.

۵. آل عمران، آیه ۱۱۳.

۶. انسان، آیه ۲۶.

۷. تکویر، آیه ۱۷.

۸. مدثر، آیه ۳۳.

۹. فجر، آیه ۴.

مناسب است. دعا کردن برای امام نباید موسمی باشد؛ نباید هر وقت گرفتار شدیم، یاد خدا و خلیفه او بیفتیم. ما هر وقت گرفتار می شویم، می گوییم «یا الله»؛ وقتی مریض می شویم، وقتی زنی به اتاق زایمان می رود، «یا الله» می گوییم. پدرها و مادرها وقتی نوبت کنکور بچه ها می رسد، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» می گویند. ای کاش یکی از آن صلوات ها را قبلاً می فرستادیم!

قرآن از ما انتقاد می کند که چرا هر وقت گیر می کنیم، او را صدا می زنیم: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوْا اللَّهَ». ^۱ همین که کشتی می خواهد غرق بشود، خدا را صدا می زنند، اما «فَلَمَّا نَجَّاهُمْ»، وقتی نجات پیدا می کنند، خدا را فراموش می کنند! «یاد موسمی» مورد انتقاد است.

فرعون هم وقتی دید دارد غرق می شود، گفت: «تُبْتُ الْآنَ»؛ خدایا! من الآن توبه کردم. اما خدا می فرماید: «وَلَيْسَتْ التَّوْبَةُ». ^۲ آن هایی که دم مرگ می گویند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، توبه آن ها قبول نخواهد شد. توبه دقیقه آخر، فایده ای ندارد.

ما هم وقتی یاد امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می افتیم که گرفتار شویم؛ اما باید همیشه به یادش باشیم، هر روز برایش صدقه بدهیم و برای سلامتی اش دعا کنیم. باید در خانه هایمان دست کم يك كتاب درباره امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ برای هر گروه سنی داشته باشیم تا بیشتر با حضرت آشنا شویم، خودمان

۱. عنکبوت، آیه ۶۵.

۲. نساء، آیه ۱۸.

را برای رساندن به صف یاران آن امام آماده کنیم، با ادعیه مهدوی انس بگیریم، «زیارت آل یاسین» بخوانیم، در قنوت یا در تعقیبات نماز «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» بخوانیم، صلوات را همراه با «عَجَلْ فرجهم» بفرستیم و همیشه به یاد حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه المشریف باشیم.

برخی مقیدند در همه نمازهایشان با این دعا، برای حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه المشریف دعا کنند. درباره آیت الله بهاء الدینی رحمته الله نوشته اند:

ایشان در قنوت نمازهایشان، دعاهای مرسوم را می خواندند؛ تا این که نوع دعا، کلمات و عبارات ایشان تغییر کرد و هرگاه دست های خود را مقابل صورت می گرفتند، برای حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه المشریف این گونه دعا می کردند: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...». در فرصت مناسبی، علت تغییر دعا را از ایشان پرسیدند. معظم له در جمله ای کوتاه فرمودند: «حضرت پیغام دادند در قنوت، به من دعا کنید.»^۱

۱. آیت بصیرت، ص ۱۰۷.



شرح عبارات دعا

اللَّهُمَّ

در ابتدای دعا، از خدا با لفظ «اللَّهُمَّ» مدد می‌گیریم. «اللَّهُمَّ» در اصل «یا الله» است و ندا به حساب می‌آید. «الله» لفظ خاصّ خداست و همه صفات او را در بر می‌گیرد. آغاز هر کاری با یاد و نام پروردگار متعال، آثار و برکات فراوانی دارد. وقتی دعاکننده، اول، نام خدا را می‌گوید، نشان می‌دهد ذات بی‌همتای الهی را مسبب تمام امور می‌داند و تنها از او استعانت می‌جوید.

اولین دستوری هم که پیامبر ﷺ از جانب خداوند دریافت کرد، این بود که پیام و سخنش را با نام خدا شروع کند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید!

باید یاد گرفت که در شروع کارها فقط نام خدا را به زبان آورد و در کنار نام خدا، نام دیگری را شریک ن ساخت. شهید مطهری رحمته الله در این باره، ذیل تفسیر سوره «اعلی» چنین نوشته است: «شروع کردن با نام غیر خدا، کفر، و با نام خدا و غیر خدا، شرك است؛ بلکه توحید در شروع کارها با نام خداست.»^۱ چنان‌که فرمود: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»^۲؛ نام پروردگار بلندمرتبه‌ات را منزه دار! و «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي

۱. علق، آیه ۱.

۲. قرآن و تبلیغ، ص ۱۰۲

۳. اعلی، آیه ۱.

الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ»^۱؛ پروردگار تو که صاحب عزت و کرامت است، نامش بابرکت است.

با توجه به آیات قرآن روشن می شود که یادآوری نام خدا، منحصر در گفتن و خواندن نیست، بلکه در مسائلی هم چون ذبح و شکار نیز باید نام خدا را بر زبان جاری ساخت تا آن طعام برای پرورش جسم، مناسب و حلال شود و اگر کسی عمداً نام خدا را بر زبان جاری نکند، آن غذا حرام می شود.^۲ برای مثال در قرآن آمده است: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ»^۳؛ پس شما ای مؤمنان! اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آنچه نام خدا بر آن یاد شد بخورید؛ و یا: «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ»^۴؛ و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید.

همان گونه که یادآوری نام خدا بر غذای جسم مهم است، ذکر نام خدا در دعا - که غذای روح است - نیز اهمیت بسیاری دارد. دعاکننده با گفتن «اللَّهُم» در آغاز دعا، احساس نیاز و فقر خود را به خدا ابراز می کند. شروع دعا به این سبک، بسیار زیباست. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۵؛ ای

۱. الرحمن، آیه ۷۸.

۲. رساله امام خمینی (ره)، مسئله ۲۵۹۴.

۳. انعام، آیه ۱۱۸.

۴. همان، آیه ۱۲۱.

۵. فاطر، آیه ۱۵.

مردم! این شماييد که به خداوند نیاز دارید و [تنها] خداوند، بی‌نیاز و ستوده است.

بنابراین، شروع با نام خدا در هر کاری شایسته است و از آن‌جا که مؤثر واقعی در هر کاری، خداست و توفیق در هر عملی، بستگی تمام به خواست او دارد، باید همه کارها را با نام او آغاز کرد تا بدین ترتیب، پشتوانه الهی و تأثیری مثبت پیدا کند.

باید دانست که دعوت خدا از مردم، به خاطر نیاز او به مردم نیست؛ همان‌گونه که اگر بگوییم مردم خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند، این دعوت، نشانه نیاز خورشید به ما نیست، بلکه نشانه نیاز ما به نور است. یکی از راه‌های مبارزه با غرور و تکبر، دعوت انسان به درگاه خداست تا انسان به ضعف و جهل و فقر و نیاز خود پی ببرد.

کُنْ

«کُنْ» فعل امر از باب «كَانَ يَكُونُ» و به معنای «باش» است. این کلمه بیان‌گر درخواست ما از خدای متعال است؛ یعنی از خداوند متعال می‌خواهیم که باشد. چه باشد؟ برای که باشد؟ فقرات بعدی بدان اشاره می‌کند: «وَلْيَأْوَ حَافِظًا...». این عبارات، خبر فعل «کُنْ» است و درخواست‌های دعاکننده را شامل می‌شود. این شش کلمه و درخواست، همه یک حقیقت را دنبال می‌کنند و آن طلب سلامتی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَفَرَجَ الشَّرِيفَ و عنایت خدا به ایشان است. این نوع درخواست به دلیل آن است که خداوند متعال، غنی مطلق است و با هر که باشد، او را بی‌نیاز می‌کند.

خواندن خدا و خواستن از او با این گونه الفاظ و به این سبک، در دعا‌های دیگر نیز وارد شده است. این گونه درخواست در دعا‌های دیگر، هم در حق خود و هم در حق دیگران، به خصوص در حق ولی زمان وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

(الف) در حق خود مانند:

اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ خدایا! دربرخورد با هر دشمنِ ستم‌گری همراه من باش.

(ب) در حق دیگران مانند:

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا؛ پروردگارا! طالب حق او (حضرت زهرا عَلِیْهَا السَّلَام) باش، از کسانی که به او ظلم کردند

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۴.

۲. مصباح‌المتجهّد، ص ۳۹۹.

و حَقِّش رَاسِبَك شَمَرْدَنَد.

ج) در حَقِّ صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ مانند:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فِي خَلْقِكَ وَلِيًّا؛ پروردگارا! خلیفه خودت را

در میان بندگانست سرپرست باش.

به راستی چرا برای امام از خداوند متعال این گونه درخواست

می شود؟ به عبارت دیگر، خدای متعال که ولی و حافظ اوست؛

پس چرا باید دعا کنیم؟!

این دعا، درخواست نزول انواع خیرات و برکات (ولایت،

حفاظت، نصرت و...) بر حضرت حجت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ است و یکی از

حکمت های این درخواست، آن است که این دعاها شامل خود

مانیز می شود، زیرا:

۱. دعا برای نزول برکات بر آن حضرت، درخواست افاضه به ما

از طریق ایشان است؛ یعنی وقتی حضرت سالم و پابرجا باشد، همه

هستی، سالم و وثابت است، چرا که ایشان واسطه فیض اند.

۲. دعا برای حضرت، موجب دعای حضرت برای نزول همان

برکات بر ما است. آیامی شود شما برای حضرت دعا کنید و خودتان

بی بهره بمانید؟ هرگز!

در حقیقت، اگرچه حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ بهترین خلقی

خداوند متعال و در بالاترین مراتب وجود است، ولی ادب دعا

اقتضای کند که بهترین چیزها را برای بهترین فرد هستی بخواهیم و

به جهت رعایت این نکته و سایر آداب دعا، تنها خواسته ما متوجه

یوسف زهر است.

.....
۱. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۰.

لَوْلَيْكَ

«ولِی» در اصطلاح به معنای سرپرست، و در لغت به معنای دو چیزی است که آن چنان به هم نزدیکند که هیچ فاصله‌ای بین آن‌ها نیست؛ لذا خداوند، ولِی مؤمنان است و آن‌ها هم ولِی خدایند؛ همان‌طور که در آیات قرآن کریم می‌خوانیم: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»^۱ و «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ...»^۲.

«لام» در «لَوْلَيْكَ» لام اختصاص خوانده می‌شود و حرف «کاف» در این کلمه نیز به خداوند متعال اشاره دارد. پس «ولیتک» یعنی: آن آقا و سرپرستی که تو قرار دادی و منصوب کردی؛ به عبارت دیگر، ولایت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ از جانب خداست و خدای متعال، آن حضرت را به امامت منصوب کردند.

این «ولِی»، همان شخصی است که اطاعتش در آیه اولوالأمر واجب شمرده شده است:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۳؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر (خدا) و پیشوایان (معصوم) خود را. معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام هم خود و هم جانشینان خود را با این کلمه معرفی کرده‌اند؛ مثلاً امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در دعا برای فرزندش امام

۱. بقره، آیه ۲۵۷.

۲. یونس، آیه ۶۲. و چه زیباست که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام با استناد به این آیه شریفه می‌فرماید: «خوشا به حال پیروان امام قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ که در غیبتش منتظر ظهور، و به هنگام ظهورش، مطیع فرمان اویند! آن‌ها اولیای خدا هستند؛ نه ترسی دارند و نه غمی»؛ *کمال الدین*، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳. نساء، آیه ۵۹.

مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ عرضه می دارد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ...»^۱.
ولایت بین امام و خداوند متعال، دوسویه است؛ امام با خدا
قرب، پیوند و اتصال دارد و از او تأثیر و تأثر می پذیرد. خدا هم ولی
و نزدیک امام است، اما در پی این قرب، تنها تأثیر می گذارد و
تأثیر پذیر نیست.

۱. مصباح المتعجد، ص ۴۰۹.

الحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

«حجة» به معنای دلیل و برهان است. این واژه در چند جای قرآن کریم به کار رفته^۱ و در لسان قرآن عبارت است از: هر چیزی که خداوند متعال به وسیله آن، بر بندگان خویش احتجاج کند، عقاب و ثواب خود را با آن تحکیم بخشد و راه هرگونه عذر و بهانه را به واسطه آن کاملاً ببندد.

حجت و دلیل نزد خداوند بسیار مهم است؛ از این جهت در دستگاه آفرینش الهی، هیچ‌گاه انسان‌ها بدون حجت و دلیل رها نشده‌اند. بارزترین این حجت‌ها، انبیا و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»^۲؛ ما پیغمبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده قرار دادیم تا برای مردم در پیشگاه خداوند [برای کوتاهی و قصورشان] حجتی نباشد.

در روایات بسیاری آمده است: خداوند متعال هیچ‌گاه زمین را از حجت خود (پیامبر یا امام معصوم) خالی نمی‌گذارد؛ هرچند در پس پرده غیبت باشد و دیدگان مردم، او را نبینند. در برخی اخبار آمده است: «اگر به فرض، تنها دو نفر روی زمین باشند، یکی از آن دو حتماً امام دیگری است.»^۳ لذا امام، حجت الهی است و به همین دلیل، در

۱. نساء، آیه ۱۶۵؛ مائده، آیه ۱۴۹.

۲. همان، آیه ۱۶۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۳.

«دعای معرفت» عرضه می‌داریم:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ
عَنْ دِينِي؛ پروردگارا! حجت را به من معرفی فرما، چراکه اگر
حجت تو را نشناسم، در دینم گمراه می‌شوم.

عَلَّاهُ تَعَالَى
فَرْجَةُ الْمُتَرَفِّعِ

لفظ شریف «حجة» از القاب خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف هم هست. هنگامی که «حجة» یا «حجة الله» گفته می‌شود،
ذهن‌ها و فکرها به یاد آخرین حجت الهی منصرف می‌گردد.
در بسیاری از ادعیه، زیارات و روایات نیز با همین لقب نورانی
از آن حضرت یاد می‌شود. نقش انگشتی ایشان هم «أنا حجة
الله»، و به روایت دیگری «أنا حجة الله و خالصة»^۲ است.

آری! او حجت الهی و آخرین حجت پروردگار عالمیان
و فرزند یازدهمین پیشوای برحق، امام حسن عسکری علیه السلام
است. این مولود گرامی، در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵
قمری پا به عرصه وجود گذاشت و جهان را با نور خود منور
کرد. حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد و به من
فرمود: «عمه جان! امشب که شب نیمه شعبان است، افطار
نزد ما باش. همانا امشب خداوند، حجت را ظاهر می‌سازد و او
حجت پروردگار روی زمین است...»^۳

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۸.

۲. نجم الثاقب، ص ۶۸، لقب ۳۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴.

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ

از وظایف و تکالیف منتظران آن حضرت، درود فرستادن برایشان است.^۱ با توجه به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»^۲ روشن می شود که:

الف. هرگاه صلوات فرستادن، به خداوند متعال نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت، و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد، به معنای طلب رحمت است.^۳
ب. از تعبیر «يُصَلُّونَ» که فعل مضارع و دلیل بر استمرار است، فهمیده می شود که خداوند متعال، همیشه و پیوسته بر پیامبر ﷺ رحمت و درود می فرستد.^۴

بنابراین، صلوات الهی بر امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و پدران گرامی ایشان، به معنای فرستادن رحمت و برکت بی کران بر آنان است.

صلوات فرستادن خدا بر امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ واضح است، زیرا قرآن کریم می فرماید خداوند، جدا از فرشتگان، بر مؤمنان صلوات می فرستد:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۵؛ او کسی است که با فرشتگان خود بر شما درود می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی روشنائی برآورد.

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۳.

۲. أحزاب، آیه ۵۶.

۳. المفردات، ذیل واژه «صل».

۴. تفسیر نمونه، ذیل آیه شریفه.

۵. أحزاب، آیه ۴۳.

درود الهی بر معصوم نیز رحمت به شمار می‌آید، زیرا
 او نیز محتاج رحمت الهی است. از علامه طباطبائی رحمته الله
 پرسیدند: «معصوم به درود و صلوات، نیازی ندارد؛ پس چرا
 باید بر او صلوات بفرستیم؟» ایشان فرمودند: «صلواتی که ما
 می‌فرستیم اولاً، از خودمان چیزی اهدا نمی‌کنیم، بلکه به خدا
 عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش علیهم السلام
 رحمت ویژه بفرستد؛ ثانیاً، گرچه این خاندان به ما محتاج
 نیستند، ولی به ذات اقدس اله نیازمندند و باید دائماً فیض
 الهی بر آنان نازل شود.» در واقع ما با این صلوات، خودمان را
 به این خاندان نزدیک می‌کنیم؛ مانند باغبانی که در باغی کار
 می‌کند که همه گل‌ها و میوه‌هایش ملک صاحب باغ است
 و از صاحب باغ حقوق می‌گیرد. او روز عید، یک دسته گل از
 باغ تهیه می‌کند و به حضور صاحب باغ می‌برد. آیا عمل او
 موجب تقرب به صاحب باغ می‌شود یا نه؟ مسلماً می‌شود.
 این عمل، نشانه ادب باغبان است. صلوات هم ادب ما را
 ثابت می‌کند، وگرنه ما که از خودمان چیزی نداریم، بلکه از
 ذات اقدس اله مسئلت می‌کنیم که بر مراتب و درجات این
 بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب برای ما تقرب است.^۱
 شایان ذکر است، از عبارت «وَعَلَى آبَائِهِ» به دست می‌آید
 که در درود فرستادن بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نباید از آبا و اجداد
 ایشان غافل شد. آن حضرت در حقیقت، ادامه خط رسالت

.....
 ۱. توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها در محضر آیت‌الله جوادی آملی،
 ص ۷۸.

و ولایت است.

اسرار، آثار و فواید «صلوات»، به خصوص در مقام دعا بسیار است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

دعا و حاجتِ خود را همراه با صلوات کنید، زیرا صلوات، دعایی مستجاب است و خدای سبحان چنین نیست که یکی از دو حاجت را برآورد و دیگری را رد کند.^۱

حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز فرمودند:

هر کس بر من يك بار صلوات بفرستد، خدا بر او ده بار درود خواهد فرستاد، ده خطا را از او برطرف خواهد ساخت و ده درجه او را بالا خواهد برد.^۲

صلوات، کلیدِ استجابت دعا و سبب سنگینی اعمال نیک مؤمن در میزان قیامت است. پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صلوات فرستادن بر من، سبب نورانیت قبر می شود.»^۳ ایشان در حدیث دیگری فرمودند: «صلوات شما بر من، سبب استجابت دعا، رضایت پروردگار و پاکی و رشد اعمالتان می شود.»^۴

اما یکی از رازهای صلوات آن است که وقتی «رحمت» بر حضرت نازل شود، به دیگران هم می رسد، چون او مجرای فیض است و اگر بخواهد خیری به دیگران برسد، باید نخست برایشان - که رحمت خاصه هستند - نازل شود و سپس به

۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۶۶۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۷۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۷۰.

۴. همان، ج ۹۱، ص ۶۴.

دیگران برسد. علامه طباطبائی رحمته الله در این باره فرموده‌اند:

معنای صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام این است که: خدایا! رحمت را برای آنان فرو فرست تا از آنان به ما برسد. اگر بخواهد رحمتی ببارد، ابتدا بر این خاندان می بارد و سپس به دیگران می رسد؛ بنابراین، طلب رحمت، مستلزم اجابت این دعاست.^۱

نتیجه این که، این فراز از دعا، صلواتی است که موجب نزول رحمت الهی بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود و آثار آن متوجه جهانیان نیز می شود.

در صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، واژه «صلوات» مفرد است و لفظ «علی» تکرار نمی شود؛ یعنی می گوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». اما در این دعا، تمام رحمت های الهی یک بار برای امام حی و حاضر، و یک بار برای معصومین قبلی علیهم السلام درخواست می شود.

با توجه به این که هر امامی وظیفه خاص و معینی بر عهده داشته و این تنوع وظایف، تنوع رحمت ها، برکت ها و فیض ها را می طلبد، دعاکننده با گفتن لفظ جمع صلوات، تمام آن ها را برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سایر ائمه علیهم السلام خواهان و خواستار می شود.

۱. توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها، در محضر آیت الله جوادی آملی، ص ۹۶.

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

در این بخش، دعاکننده از پروردگار متعال، سلامتی و نصرتِ امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الْكَرِيمِ را در لحظات شیرین و معنوی دعای خود و سایر ایام طلب می‌کند و در حقیقت، متوجه افق وسیع‌تری می‌شود و می‌گوید: «پروردگارا! در همهٔ ساعت‌ها، زمان‌ها، دوره‌ها و لحظه‌ها، سلامتی، نصرت، حمایت و لطفِ بی‌کرانت را شامل حال آخرین امام بگردان.»

«فِي هَذِهِ السَّاعَةِ» در این دعا، به شب قدر و شب نزول برکات، خیرات و مقدرات اشاره دارد و عبارت «فِي كُلِّ سَاعَةٍ» بیان‌گر وظیفهٔ همیشگی منتظر، یعنی توجه و دعای همیشگی برای امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الْكَرِيمِ است. دعاکننده ضمن توجه به زمان حالش، به آینده نیز توجه دارد.

وقتی انسان با دریای رحمت الهی آشنا می‌شود و وسعت کرم و لطف او را مشاهده می‌کند، درخواست و تمنایش نیز وسیع می‌گردد. بنابراین در ادعیه و زیارات، الفاظی مثل: کثیراً، متتابعاً، سرمداً، دائماً، ابداً و... بسیار به چشم می‌آید.^۱ هم‌چنین نه تنها از جانب خودش دعا می‌کند، بلکه با ایمان به رحمت الهی عرضه می‌دارد:

خداوندا! برسان به مولای ما... از سوی تمامی مردان و زنان مؤمن که در مشرق‌ها و مغرب‌های زمین و در صحرا و کوه‌ها هستند... درود و تحیتی که با عرش خدا برابری کند و به اندازهٔ

.....
۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۵۷.

کلمات حق و آنچه علم خدا احصا می‌کند و کتاب آفرینش حق در برگرفته است، باشد...^۱

مانند این فراز، در ادعیه دیگر نیز وارد شده است؛ برای نمونه، در دعای روز عرفة می‌خوانیم:

خدایا! بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام... در این ساعت و همه ساعت‌ها درود فراوان برسان.^۲

از آن جایی که «تبری» نیز مانند «تولی» از واجبات مذهب تشیع به شمار می‌آید، این‌گونه درخواست‌ها در زمینه تبری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نیز منعکس شده است؛ برای نمونه، در زیارت امام حسین علیه‌السلام و در بخش لعن بر دشمنان او عرضه می‌داریم:

خداوند، قاتلت را لعنت کند و عذاب را در این ساعت و تمام ساعت‌ها تجدید فرماید!^۳

در حقیقت این فراز از دعا، نشان‌گر همت والای دعاکننده است. او تمام لحظات را مدنظر قرار داده و سلامتی امام دوازدهم عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف را در همه لحظه‌ها، ساعت‌ها و زمان‌ها از خداوند متعال خواستار است.

۱. «اللَّهُمَّ يَلِغْ مَوْلَانَا... عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا... مِنْ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ...»؛ مفاتیح/الجنان، دعای عهد.

۲. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ... فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ السَّاعَةِ تَحِيَّةَ كَثِيرَةٍ»؛ بحار/الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸۱.

۳. «لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ جَدَّ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ»؛ همان، ج ۹۸، ص ۳۶۸.

وَلِيًّا

«ولی» به معنای «سرپرست» است. دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد که ولیّ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، زیرا اگر او سرپرستی و ولایت کسی را عهده‌دار شود، از همه بهتر و والاتر است و او را کفایت می‌کند: «وَكَفَى بِاللّهِ وَلِيًّا»^۱.

علامه طباطبائی رحمته الله در بیان معنای «ولایت» می‌گوید: برای «ولایت» معانی زیادی ذکر کرده‌اند، اما اصل در معنای آن، از بین رفتن واسطه بین دوشیء است، به نحوی که آنچه از آنان نیست، بین آن دو فاصله ایجاد نکند.^۲ ایشان با توجه به موارد به‌کاررفته در متون آیات و روایات می‌نویسد:

کلمه «ولایت» با توجه به موارد استعمال آن در قرآن و بیان اهل بیت علیهم السلام ... عبارت است از: نزدیکی و قرب خاصی که بر اساس آن، نوع خاصی از تصرف، مالکیت، حاکمیت، تدبیر و تصدّی پا می‌گیرد.^۳

بر این اساس، دعاکننده با گفتن این فراز، از خداوند متعال می‌خواهد که سرپرستی‌اش را برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه دهد.

به عبارت دیگر، تمام انسان‌ها، حتی مؤمنان هم محتاج سرپرستی خداوند متعال هستند؛ بنابراین قرآن کریم

۱. نساء، آیه ۴۵.

۲. المیزان، ج ۱۰، ص ۸۸.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۲.

می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند.

امامان معصوم علیهم‌السلام نیز سرپرستی الهی را خواستارند. امام علی علیه‌السلام در مناجاتش به خدا عرضه می‌دارد: «وَلَا تُؤَلِّنِي غَيْرِكَ»؛^۱ پروردگارا! سرپرستی‌ام را به کسی جز خودت مسپار. امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز در دعای ماه رجب از خداوند چنین خواسته است: «وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ»؛^۲ پروردگارا! ما را به غیر خودت وا مگذار.

عاشقانِ امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز در این دعا، یک خواسته را با شش واژه مترادف بیان می‌کنند که عبارتند از: «ولی»، «حافظ»، «قائد»، «ناصر»، «دلیل» و «عین». البته تقدم و تأخر این واژه‌ها بی حکمت نیست. چرا اولین واژه، لفظ «ولی» است؟ قطعاً تقدم این لفظ بر سایر کلمات، دلیلی دارد و آن، عظمت، شرافت، گستردگی و عمق این لفظ نسبت به سایر الفاظ است.

با نگاهی اجمالی به ظاهر و مفهوم این کلمات، روشن می‌شود که پربارترین و جامع‌ترین آن‌ها واژه «ولی» است، زیرا هنگامی که خداوند متعال، ولی و سرپرست شخصی شد، قطعاً او را حفظ می‌کند و تحت رهبری، نصرت و حراست خود قرار می‌دهد. بنابراین، احتمال دارد که حکمت تقدم لفظ «ولی» بر دیگر واژه‌ها، همین مسئله (جامعیت) باشد.

۱. بقره، آیه ۱۸۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۶۵.

۳. مصباح‌المتجهّد، ص ۸۰۳.

علاوه بر این، کاربرد این واژه با روح، حکمت و ضرورت دعا، هماهنگی خاصی دارد؛ یعنی دعاکننده می‌داند که همهٔ خلائق در ذات خود، فقیر و محتاج به پروردگارند و حتی ولی و سرپرست تمام موجودات این عصر نیز محتاج سرپرستی الهی است. به عبارت دیگر، شخصی که خود، ولی، حافظ، قائد، ناصر، دلیل و عین است نیز به قدرتی بالاتر از خود نیاز دارد که خالق همهٔ این خصوصیات است.

و حافظاً

شخص منتظر در این بخش از دعا، حفاظت و حمایت الهی را برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حافظ اسرار الهی است^۱، طلب می‌کند، زیرا خداوند بهترین حافظ است: «فَاللَّهُ خَيْرُ حَافِظاً»^۲.

در قرآن آمده است که حفاظتِ هستی برای خداوند متعال سنگین نیست: «وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا»^۳؛ کسی که از هستی حفاظت می‌کند، می‌تواند امام را نیز در برابر خطرات حفظ کند. لذا برای حفاظتِ امام، خواندن «آیه الكرسي» سفارش شده است.

بر اساس روایات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حیاتی طبیعی دارد و در میان مردم است و همان‌طور که پیامبران الهی و دیگر ائمه عليهم السلام به بیماری یا مشکلات دچار می‌شدند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مصون از این مسائل نیست؛ بنابراین، دعا و صدقه برای سلامتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم و ضروری است. امامان عليهم السلام نیز در ادعیه و مناجات‌های خود با خدا، برای حفظ و سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا می‌کردند؛ برای مثال، امام رضا عليه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امر می‌فرمودند و برای ایشان چنین دعا می‌کردند:

خداوندا! هر گونه بلا را از ساحت ولیّ خود دور گردان...

۱. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۶۸.

۲. یوسف، آیه ۶۴.

۳. بقره، آیه ۲۵۵.

و او را در پناه خود از شرّ تمام آنچه آفریدی و ایجاد و انشا و صورت‌گیری فرمودی، محفوظ بدار، و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و از بالا و پایین حفظ کن؛ حفظ کردنی که اگر کسی را آن‌طور محفوظ گردانی، از بین نرود.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام نیز در قنوت نمازهایشان برای آن امام این‌گونه دعا می‌فرمودند:

خداوندا! او را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شرّ متجاوزان در امان باشد. خدایا! او را از چیزهایی در امان بدار که از آن برایش می‌ترسیم، و تیرهای نیرنگ را که کینه‌توزان و بدخواهانش به سویش پرتاب می‌کنند، برطرف ساز.^۲

چرا همواره برای سلامتی و مصونیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه المریف از همه بلاهای آسمانی و زمینی دعا می‌شود؟ چرا باید برای سلامتی ایشان و در امان بودن وجود نازنین او از هرگونه خطر، این‌گونه دعا کرد؟

در پاسخ باید گفت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه المریف، واسطه فیض و محور عالم هستی است و اگر او نباشد، هیچ مخلوقی توان حیات ندارد؛ بنابراین، جهان هستی وابسته به اوست. در این باره روایات فراوانی وجود دارد.

۱. «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ... وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ»؛ مصباح‌المتهجد، ص ۴۰۹.

۲. «فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي حِصَانَةٍ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ... وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ... وَ رُدَّ عَنْهُ مِنْ سَهَامِ الْمَكَايِدِ مَا يُوْجِبُهُ أَهْلُ الشَّتَائِنِ إِلَيْهِ»؛ همان، ص ۱۵۶.

امام زین العابدین علیه السلام در روایتی طولانی می‌فرماید:
 خداوند به وسیله ما نمی‌گذارد که زمین، اهل خود را پریشان
 سازد؛ به وسیله ما باران را می‌فرستد؛ به وسیله ما رحمتش را
 می‌گستراند؛ و به وسیله ما برکات زمین را خارج می‌سازد و اگر
 امامی از ما روی زمین نبود، زمین اهل خود را در کام خود فرو
 می‌برد.^۱

امام باقر علیه السلام هم در این باره می‌فرماید:
 اگر امام یک ساعت از روی زمین برداشته شود، زمین
 ساکنانش را در هم می‌پیچد، آن‌چنان که دریا [به هنگام
 طوفان] ساکنانش را در هم می‌پیچد.^۲
 علت و حکمت حفظ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حفظ نبوت،
 امامت و دین الهی است، زیرا تا زمانی که ایشان سالم و
 پابرجا باشند، هدف ارسال رسل و انزال کتب تحقق می‌یابد.
 امام رضا علیه السلام با اشاره به همین حقیقت می‌فرماید:
 خدایا! به واسطه وجود مبارک او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)،
 پیامبرت و پدرانیش را که امامان منصوب از ناحیه خودت و
 ستون‌های دینت هستند، حفظ فرما.^۳
 پروردگار متعال همواره برای حفظ اولیای خود، از

۱. «وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَبِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ
 وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»؛ کمال
 الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۰۷.
 ۲. «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ زُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يُمُوجُ الْبَحْرُ
 بِأَهْلِهِ»؛ همان، ص ۲۰۲.
 ۳. «وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ»؛ مصباح
 المتعجد، ص ۴۰۹.

وسایل و اسبابی استفاده کرده است؛ به آتش فرمان داد بر ابراهیم علیه السلام گلستان شود، به رود خروشان دستور داد صندوق حامل موسی علیه السلام را به سلامت به کاخ فرعون برساند، حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان برد، برای حفظ جان اشرف مخلوقاتش به عنکبوت، دستور تنیدن و به کبوتر، فرمان لانه سازی بر دهانه غار داد و در جنگ ها، ملائک را به یاری او و سپاهش فرستاد. بنابراین خداوند متعال، بر حفظ ولیّش قدرت دارد، اما تمام انسان ها در تمام دوران ها وظیفه دارند برای حفظ ولیّ زمانشان جان فشانی کنند. کامل ترین و بارزترین نمونه این جان فشانی، ایثار امیرالمؤمنین علیه السلام در «لیلة المبیت» بود.

می توان گفت، همان راه هایی که برای حفظ و سلامتی انبیا و اولیای گذشته وجود داشته، درباره آخرین حجت الهی نیز وجود دارد، اما تمام انسان های عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به تلاش برای حفظ ایشان در برابر تمام حوادث و آسیب ها موظفند. دعا برای ایشان، یکی از راه های انجام این وظیفه است.

امام رضا علیه السلام به پسر مقاتل سفارش فرمود که در قنوت نماز چنین دعا کند:

خدایا! کار بنده و خلیفه ات (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) را سامان ده به آنچه کار پیامبران و فرستادگانت را سامان دادی، و فرشتگانت را پیرامونش قرار ده و او را به روح القدس از سوی

خویش تأیید فرما، تا از پیش رو و پشت سرش او را از هر بدی محافظت کنند.^۱

برخی می پرسند: چه آسیب و خطراتی وجودِ امام را تهدید می کند؟ خداوند متعال، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از شرّ چه چیزهایی حفظ می فرماید؟ آیا ما شیعیان، توان و لیاقتِ حفظ امام را نداریم؟!

در پاسخ باید گفت، خطرهایی برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد که شاید به ذهن کمتر کسی خطور کند. شیطان و تمام اعوان و انصارش، هر لحظه در حال نقشه کشیدن و اجرا کردن اهدافشان برای به عقب انداختن ظهور آن حضرت هستند، زیرا آن ها خوب می دانند که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مساوی با پایان کار آن ها است. در آن زمان، عمرِ دولت آن ها تمام می شود و دیگر نمی توانند انسان ها را به راحتی اغوا کنند.

هنگامی که شیطان از درگاه الهی رانده شد و تا روز قیامت مهلت خواست، خداوند او را تا وقت معلوم، مهلت داد: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۲؛ [شیطان] گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده. [خداوند] فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم.

.....
۱. «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عِنْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ أَسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ شَوْءٍ»؛ مصباح/المتجهّد، ص ۳۶۶.
۲. حجر، آیات ۳۶-۳۸.

در روایاتی از امام سجاد^۱، امام صادق^۲ و امام رضا^۳ علیه السلام، «وقت معلوم» به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تأویل شده است. امام هادی علیه السلام نیز مصداق آیه شریفه «وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِیمٍ»^۴ را روز ظهور بیان فرموده‌اند.^۵

از سوی دیگر، معتقدان به امامت تصور می‌کنند که برای دفاع از اهل بیت علیهم السلام آماده‌اند، ولی تاریخ نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها در عرصه امتحان، موفق و سربلند نبوده‌اند و چه بسا خود آنان، خطراتی را برای اسلام به وجود آورده‌اند و حتی برخی شیعیان به امام زمانشان آسیب رسانده‌اند!

امام صادق علیه السلام در پاسخ به اسحاق بن عمار که درباره آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا»^۶ پرسیده بود، فرمودند: آن‌هایی که ایمان آورده‌اند، ما هستیم. خداوند متعال از ما دفاع می‌کند، هنگامی که پیروان، ما را اذیت کنند.^۷

چه بسا کسانی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را نمی‌شناسند، خطری هم برای آن حضرت نیافرینند، ولی آن‌هایی که شیعه نامیده می‌شوند، در برابر آن حضرت صف‌آرایی کنند و علیه اهداف و انگیزه‌های ایشان اقدام نموده و قلبشان را ناراحت

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۲. همان، ج ۶۳، ص ۲۲۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۷۱.

۴. «وَأَن رَّازِهُرْ شَيْطَانٌ رَّانْدَهْ شَدْهْ اَی حَفْظْ کَرْدِیم»؛ حجر، آیه ۱۷.

۵. بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۴۲.

۶. «قَطْعاً خَدَاوَنْدَ اَزْ کَسَانِیْ کِهْ اَیْمَانْ اَوْرَدَهْ اَنْدَ دِفَاعْ مِیْ کُنْد»؛ حج، آیه ۳۸.

۷. «نَحْنُ الَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ يُدَافِعُ عَنَّا مَا أَذَاعَتْ شِيعَتُنَا»؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۸۲.

کنند؛ همان طور که خود ایشان در توقیع شریف فرمودند:
نادانان و کم خردانِ شیعه و کسانی که بالِ پشه از دین داری
آنان محکم تر است، ما را می آزارند.^۱

۱. «قَدْ أَذَانَا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حَمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ»؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.

و قائداً

«قائد» به معنای رهبر، راهبر و پیشواست.^۱ کسی که جلوی کاروان حرکت می‌کند و کاروان را به پیش می‌برد، قائد خوانده می‌شود. دعاکننده در این فراز، از خداوند متعال می‌خواهد که در همه حال، راهبر و رهبرِ امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرِيدَ باشد.

اساساً تمام موجودات، محتاج عنایت پروردگارند؛ اگر خداوند متعال لحظه‌ای انسان را سرپرستی نکند و او را به حال خود و هوای نفسش واگذارد، طغیان می‌کند و از مسیر حق خارج می‌شود. از این رو بود که اشرف مخلوقات، پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، در هر روز عرضه می‌داشت:

خدایا! یک چشم برهم‌زدن مرا به خودم وامگذار، زیرا اگر مرا به نفسم واگذار کنی، به بدی بسیار نزدیک و از خوبی بسیار دور می‌شوم.^۲

در دعایی هم از امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرِيدَ نقل شده است: «وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ»؛ خدایا! ما را به غیر خودت وامگذار.

خلاصه آن‌که عاشق منتظر، با الفاظ و عبارات نزدیک به هم، از پروردگار می‌خواهد که ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرِيدَ را سرپرستی کند؛ در حقیقت روح این دعا، درخواست عنایتِ خاص الهی برای ولی زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الْمُرِيدَ است.

۱. الرائد، ج ۲، ص ۱۳۲۴.

۲. «إِلَهِي... لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فَإِنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي أَقْرَبُ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعَدُ مِنَ الْخَيْرِ»؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳. مصباح المتعجد، ص ۸۰۳.

وَنَاصِرًا

هر حرکتی که بخواهد به سرانجام برسد، باید مورد حمایت و یاری قرار گیرد، و حمایت چه کسی بهتر از خداوند، که قدرت مطلق و بهترین یاری دهنده است؟!

یکی از وعده‌ها و سنت‌های الهی، نصرت مؤمنان و دفاع از آن‌هاست. خداوند این دفاع و حمایت را بر خود لازم فرموده است: «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱. در قرآن، بارها از یاری انبیا و اولیا توسط خدا سخن به میان آمده است. اسامی برخی از پیامبرانی که نصرت الهی شامل حال آن‌ها شده، از این قرار است:

- حضرت نوح علیه السلام: «فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ»^۲؛ ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم.

- حضرت لوط علیه السلام: «إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ»^۳؛ ما او و بستگانش [به جز همسرش] را نجات دادیم.

- حضرت شعیب علیه السلام: «نَجَّيْنَاهُ شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ»^۴؛ ما شعیب و مؤمنان همراه او را نجات دادیم.

- حضرت صالح علیه السلام: «نَجَّيْنَاهُ صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ»^۵؛ ما صالح و مؤمنان همراه او را نجات دادیم.

- حضرت هود علیه السلام: «نَجَّيْنَاهُ هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ»^۶؛ ما هود و

.....
۱. روم، آیه ۴۷.

۲. یونس، آیه ۷۳.

۳. صافات، آیه ۱۳۴.

۴. هود، آیه ۹۴.

۵. همان، آیه ۶۶.

۶. همان، آیه ۵۸.

مؤمنان همراه او را نجات دادیم.

- حضرت یونس علیه السلام: «وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ»؛^۱ ما یونس را از غم نجات دادیم.

- حضرت موسی علیه السلام: «وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ»؛^۲ ما موسی و کسانی را که با او بودند، نجات دادیم.

نصرت الهی درباره پیامبران و مؤمنان به صورت های مختلفی جلوه می کند. برخی از آن ها عبارتند از:

استجاب دعا: قرآن درباره حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ».^۳ در سوره «انبیاء» نیز به استجاب دعای حضرت نوح، یونس، زکریا و ایوب علیهم السلام اشاره شده است.^۴ هم چنین در سوره «شوری» می خوانیم:

«وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛^۵ خداوند دعای کسانی را که اهل ایمان و عمل صالحند، اجابت می کند.

اعطای حکومت: «آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛^۶ به آن ها حکومتی بزرگ عنایت کردیم.

غلبه در جنگ: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»؛^۷ خداوند در مواقع بسیاری شما را یاری کرد.
نزول سکینه و آرامش بر قلب:

۱. انبیاء، آیه ۸۸.

۲. شعراء، آیه ۶۵.

۳. یوسف، آیه ۳۴.

۴. «فَاسْتَجَبْنَا»؛ انبیاء، آیات ۷۶، ۸۴، ۸۸ و ۹۰.

۵. شوری، آیه ۲۶.

۶. نساء، آیه ۵۴.

۷. توبه، آیه ۲۵.

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا»؛ پروردگار، آرامش را
بر او فرستاد و او را با سپاهی که نمی توانستید آن ها را مشاهده کنید،
یاری کرد.

هلاکت دشمن یا انتقام از او: «فَأَغْرَقْنَاهُمْ»^۲؛ همگی آنان را غرق
کردیم.

نزول فرشتگان و امداد های غیبی:

«الَّذِينَ يَكْفِيكُم أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ»^۳؛
آیا خداوند که سه هزار فرشته را به یاری شما فرستاد، کافی نیست؟!
ایجاد رعب در دل دشمن: «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ»^۴؛ و در
دل های شان رعب و وحشت انداخت.

اگرچه امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ناصر بی یاوران است^۵، اما خود
ایشان نیز به نصرت الهی احتیاج دارد؛ از این رو، دعا کننده از
خداوند متعال، نصرت و یاری او را در همه برنامه ها و احوال طلب
می کند، زیرا:

- تنها او نصیر است: «وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا»^۶.
- او بهترین ناصر است: «نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِير»^۷.
- او تنها ناصر است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ

۱. همان، آیه ۴۰.

۲. اعراف، آیه ۱۳۶.

۳. آل عمران، آیه ۱۲۴.

۴. حشر، آیه ۲؛ ابراهیم، آیه ۲۷.

۵. «وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا
غَيْرَكَ»؛ مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۶. نساء، آیه ۴۵.

۷. انفال، آیه ۴۰.

الْحَكِيم»^۱.

درخواستِ نصرت برای امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ در بسیاری از ادعیه مهدوی، با عبارات گوناگون بیان شده است؛ برای مثال، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تعقیبِ نماز ظهر عرضه می داشت: «خدایا! با یاری خودت، او را تأیید کن و بنده ات را یاری نما.»^۲ آن حضرت هم چنین به شخصی سفارش فرمود که هرچه را ترک می کنی، این را ترک نکن و در هر صبح و شام بگو: «... وانصره، نصراً عزیزاً»^۳، و به کسی که خواهان طولِ عمر و زیارتِ حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ بود، سفارش فرمود که چنین دعا کند: «... وَ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ»^۴.

هم چنین امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در قنوت نمازهایش، نصرت و یاریِ یادگار شایسته اش را این گونه از خدا طلب می کند: «خدایا! او را بر تمام دشمنانش پیروز کن... و با یاری ات، پشتش را محکم گردان.»^۵ در زیارت «آل یاسین» نیز عرضه می داریم: «اللَّهُمَّ انصُرْهُ»^۶؛ بارالها! او را یاری فرما. البته بعید نیست که درخواستِ نصرت، در واقع، تمنای فرج و ظهور آن حضرت باشد؛ اگرچه نصرت در عصر غیبت را نیز شامل می شود.

۱. آل عمران، آیه ۱۲۶.

۲. «اللَّهُمَّ أَيِّدْهُ بِتَصْرِكَ وَ انصُرْ عَبْدَكَ»؛ فلاح السائل، ص ۱۷۰.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۵۳۰.

۴. مصباح المتهجد، ص ۵۸.

۵. «و انصُرْهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ... فَأَشْهَدُ اللَّهُمَّ أَرْزُهُ بِتَصْرِكَ»؛ مهج الدعوات، ص ۸۵.

۶. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲.

وَدَلِيلًا

«دلیل» به معنای راهنماست.^۱ در زمان گذشته، کاروان‌ها برای رسیدن به مقصد، از شخصی با عنوان «دلیل» و «راهنما» استفاده می‌کردند. ما از خداوند می‌خواهیم که خودش دلیل و راهنمای امام باشد تا زمینه‌های ظهور او فراهم شود و با قیام زیبایش، عدالت را در جهان حاکم گرداند.

دعاکننده با گفتن این فراز، از خداوند متعال می‌خواهد که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَوْحَهُ الشَّرِيفَ را راهنمایی کند. در حقیقت، روح این دعا - که درخواست سلامتی برای امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَوْحَهُ الشَّرِيفَ است - با جملات و الفاظ متفاوتی بیان می‌شود. «دلیلًا» عطف بیان دیگری بر «ولیا» است، یا تأکیدی دیگر بر درخواست سلامتی آن حضرت.

بر عاشقِ امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَوْحَهُ الشَّرِيفَ سخت و گران است که ناخوشی، ناراحتی و غم و اندوه، امام زمانش را فرا گیرد و او سرگرم دنیای خودش باشد. در دعای ندبه آمده است:

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى؛ گران و سخت است بر من که تنها تو گرفتار باشی و بلا تنها تو را احاطه کند.

وقتی سختی، حقیقی باشد، نگرانی و اضطراب پیدا می‌شود. برای رفع تمام این تشویش‌ها، باید دل به آرام‌بخش دل‌ها و جان‌ها سپرد و دست به دعا برداشت و با بیان الفاظ متعدد، بر درخواست اصلی، اصرار و پافشاری کرد و در هر شبانه‌روز، چندین بار در حالات گوناگون، خواسته خود را بیان نمود.

.....
۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۵۱.

وَعَيْنًا

واژه «عین» مشترک لفظی است و معانی متعددی دارد؛ لذا در هر مورد، به قرینه معینه و خاص نیاز است. در این دعا، «عین» به معنای نگهبان و ناظر آمده است.^۱ ما از خداوند متعال می‌خواهیم که در تمام لحظه‌ها نگهبان، ناظر و حافظ آن امام باشد.

اگر پروردگار عالم، نگهبان کسی باشد، هیچ خطری او را تهدید نمی‌کند. حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام برای حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف این‌گونه دعا می‌فرمود: «و رَاعِهِ بِعَيْنِكَ»^۲؛ خدایا! او را با دیده خود، رعایت [و نگهبانی] فرما. از این شش کلمه روشن می‌شود که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف، در پناه خداوند متعال و حفظ و حمایت و مراقبت او، سرپرستی جامعه را بر عهده دارند.

۱. الرائد، ج ۲، ص ۱۲۳۳.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷.

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً

آیا این درخواست‌ها، فقط مخصوصِ عصرِ غیبت است؟
خیر؛ بلکه دعاکننده، سلامتی مولایش را در تمام لحظاتِ غیبت
و ظهور می‌طلبد. در ابتدای دعا، «فی هذه الساعة و فی کُلِّ
ساعة» گفته شد و در این بخش بالفظ «حَتَّى» غایتِ کلام معلوم
شده است؛ یعنی چنین درخواست می‌کنیم: خدایا! در عصر
غیبت و ظهور، امام را پشتیبانی کن و او را سلامت بدار!

هم‌اکنون امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف روی همین کرهٔ خاکی، حاکم
و فرمانرواست؛ وانگهی سکونت ایشان به دلیل غیبت و کثرت
دشمنان، در حال اختفا و سختی است، تا روزی که ظهور
نماید و تمام انسان‌ها از حضرت اطاعت کنند و از مخالفت‌ها
و عنادهایی که در برخورد با سایر انبیا و اوصیای عظیم‌الشان
الهی علیهم‌السلام وجود داشته، دست بردارند.

دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد، اهل زمین را برای آن
حضرت، رام و فرمان‌بردار قرار دهد؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در
تأویل آیه: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً»؛
هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، سر به فرمان او
(خداوند متعال) نهاده است، می‌فرمایند:

هنگامی که حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قیام کند، زمینی باقی
نمی‌ماند، مگر آن‌که گلبانگِ توحید و شهادت به رسالت

پیامبر ﷺ در آن بلند می‌گردد.^۱

بنابراین، آن‌گاه که امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِیفَ روی زمین ساکن و حاکم شود، همگان با میل و رغبت، به حاکمیت او گردن می‌نهند و از جان پذیرایش می‌شوند، در حالی که هیچ اکراه و اجباری برای آن‌ها نیست. لذا دعاکننده از خداوند متعال می‌خواهد که عمر توأم با سلامتی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِیفَ تا آن‌جا طولانی شود که روزگار ظهور و سکونت آن حضرت بر زمین در حال اطاعت مردم فرارسد و پس از آن‌که مردم از اطاعتش سرباز می‌زدند، با میل و رغبت به اطاعتش درآیند.

البته احتمال دارد که «طوعاً»^۲ صفتی برای حضرت باشد؛ در این صورت، معنای این فراز، آن است که زندگانی و سلامتی امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِیفَ تا زمانی باشد که او در زمین با رغبت و اشتیاق، ساکن و حاکم شود، زیرا ظهور و حاکمیت بر زمین و اجرای احکام الهی، خواسته خداوند، هدف بعثت انبیا و آرزوی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِیفَ است و به همین جهت، سکونت و حاکمیت بر ارض از روی میل و رغبت، برای حضرتش طلب می‌شود.

در این عصر، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِیفَ بر زمین مستقرند، ولی به سبب اطاعت نکردن مردم از ایشان، در محل‌های مختلفی به سر می‌برند. از آن‌جا که این نوع زندگی، توأم با استقرار و آرامش

۱. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْعَمَلُ بِمَا يَقْتَضِيهِ الْأَمْرُ وَ الْحُكْمُ مَعَ رَغْبَةٍ وَ خُضُوعٍ، فَلَهُ ثَلَاثَةٌ قِيُودٌ: الرِّغْبَةُ وَ الْخُضُوعُ وَ الْعَمَلُ عَلَى طَبَقِ الْأَمْرِ. وَإِذَا فَقَدَتِ الرِّغْبَةُ وَ التَّمَايِلُ يَصْدُقُ الْكُرْهُ، سَوَاءً حَصَلَ خُضُوعٌ أَوْ عَمَلٌ أَمْ لَا»؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۷، ص ۱۳۷.

نیست، «سکونت»^۱ به حساب نمی آید. خود آن حضرت در توقیع به شیخ مفید رحمته الله علیه فرمودند:

هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستم‌گران سُکنا گزیده‌ایم، زیرا خداوند صلاح ما و شیعیان باایمان ما را - تازمانی که حکومت دنیا به دست تبه‌کاران است - در این کار قرار داده است؛ با وجود این، براخبار و احوال شما آگاهیم.^۲

حسن بن سلیمان حلّی رحمته الله علیه در شرح این فراز از دعای نویسد: این جمله، بر زمان ظهور و بسط ید امام زمان عجل الله تعالی فرجه العزیز دلالت دارد، زیرا امروزه (عصر غیبت) ایشان مقهور مانده و حقش غصب شده است و توان اظهار حق در میان خلائق را ندارد.^۳

بنابراین، در پاسخ به این پرسش که: چه روزی آن حضرت با بسط ید ظاهر می‌شوند و مردم نیز از روی میل و رغبت از ایشان اطاعت می‌کنند؟ باید گفت: آن روزی که پروردگار متعال، اذن ظهور بفرماید و ایشان نظام عدل را برپا دارند. در آن روز، زمین و اهل آن - در حالی که میل و رغبت کامل دارند - از ایشان اطاعت می‌کنند، پرچم اسلام به اهتزاز درمی آید و گلبانگ توحید در سراسر عالم هستی طنین افکن می‌شود.

۱. «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ [سُكْنَى]: هُوَ الْإِسْتِقْرَارُ فِي مُقَابِلِ الْحَرَكَةِ وَ هُمْ أَعْمٌ مِنَ الْإِسْتِقْرَارِ الْمَادِّي وَ الزَّوْجِي»؛ همان، ج ۵، ص ۱۶۳.
۲. «نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا نَأْوِيَنَّ بِمَكَانِنَا النَّائِيَّ عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ، حَسَبِ الَّذِي أَرَادَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ، وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ، فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. «يَدُلُّ عَلَى زَمَانِ ظُهُورِهِ وَ انْبِسَاطِ يَدِهِ عليه السلام وَ لَآئِهِ الْيَوْمَ مَقْهُورٌ مَغْضُوبٌ مُسْتَأْثَرٌ عَلَى حَقِّهِ غَيْرُ مُسْتَطَاعٍ لِإِظْهَارِ الْحَقِّ فِي الْخَلْقِ»؛ مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

امام علی^۱، امام صادق^۲ و امام کاظم علیه السلام^۳، آیه شریفه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»^۴ را به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل فرموده‌اند. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، نقطه‌ای روی زمین نمی‌ماند، جز آن‌که به یکتایی خدا و رسالت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهد.^۵

سرانجام این اراده و عنایت‌های ویژه حضرت حق آن است که زمین به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و با قیام آسمانی‌اش، از آلودگی‌ها و نافرمانی‌ها پاک می‌شود و عبادت الهی بدون هیچ شرکی روی زمین محقق می‌گردد: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۶، و هدف از خلقت تحقق می‌یابد: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».^۷

در ادامه این دعا، ما از خداوند می‌خواهیم این نعمت ارزشمند، پس از پدید آمدن، مدتی طولانی ادامه یابد تا انسان‌های بی‌شماری در سایه این حکومت، به سرانجام نیک نایل شوند.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. همان.

۴. «هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه، تسلیم اوست»؛ آل عمران، آیه ۸۳.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۶. نور، آیه ۵۵.

۷. ذاریات، آیه ۵۶.

و تُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا

در این فراز، دعاکننده پس از درخواست ظهور با گفتن: «پروردگارا! تو او را برای مدت طولانی روی زمین متمکن ساز»، حکومت طولانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف را تقاضا می‌کند. با توجه به این‌که این دعای شریف از ناحیه امامان معصوم عليهم السلام صادر شده و در طول تاریخ، انسان‌های مؤمن و متقی، بارها و بارها آن را زمزمه کرده‌اند و تنها خواسته‌شان، استجابت این دعا بوده و پروردگار متعال هم دعاها را مستجاب می‌کند، قطعاً حکومتی که ایشان تشکیل می‌دهد، طولانی است و تا پایان عمر زمین به طول می‌انجامد.

در منابع اهل سنت، روایاتی وارد شده که مدت حکومت آن حضرت را کوتاه بیان می‌کنند؛ اما این روایات پذیرفتنی نیستند. اگر در منابع شیعه نیز احادیث گوناگونی دیده می‌شود، اشاره به دوران‌های مختلف حکومت است؛ یعنی زمان ظهور، استقرار حکومت، دوران تکامل دولت و دوران نهایی حکومت آن حضرت.

بسیار روشن است که دورانی بسیار کوتاه، به این مقدمه طولانی احتیاج ندارد. بشر در طول سال‌های متمادی، رنج و سختی را تحمل کرده تا حقیقت ناب را در سال‌های طولانی به نظاره بنشینند.

در برخی محافل و مجالس، در پایان این دعا، عبارت «بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» گفته می‌شود که شایسته است

به دعا افزوده نشود، زیرا در هیچ یک از منابع دعا، این جمله ذکر نشده است؛ بنابراین اگر این جمله به قصد جزئیت به دعا اضافه شود، اشکال دارد، ولی اگر مطلق دعا مدنظر باشد، اشکال ندارد. با این حال، از آن جایی که این گونه قصدها برای عموم واضح نیست، بهتر است که این عبارت گفته نشود.





فواید قرائت دعای سلامتی

همه در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مسئولند و نسبت به ایشان وظایفی دارند.^۱ یکی از آن وظایف، انجام دادن اعمالی است که موجب تن درستی ایشان می شود؛ مانند صدقه دادن و دعا کردن.

حتی اگر کسی برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صدقه ندهد و دعا هم نکند، پروردگار متعال، وجود گرامی ایشان را از گزند حوادث و بلاها محفوظ می دارد، اما نکته آن است که این گونه اعمال، پیش از آن که آثاری برای امام داشته باشد، فواید و نتایجی برای عامل به همراه دارد؛^۲ مانند «نماز خواندن» که اگر همه انسان ها کافر شوند و نماز نخوانند، ذره ای از عظمت پروردگار کم نمی شود و خداوند متعال نیز محتاج عبادات بندگان نیست:

«إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»^۳؛

اگر شما و هر که روی زمین است همگی کافر شوید، بی گمان

۱. آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی رحمته الله در *مکیال المکارم* (ج ۲)، ص ۱۸۱-۵۶۸) هشتاد وظیفه را بیان کرده اند.

۲. در جلد نخست کتاب *مکیال المکارم*، بیش از یک صد فایده برای دعا در حق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده، که مهم ترین آنان عبارتند از: **الف.** دعا برای ایشان، نشانه علاقه و محبت است و ازدیاد محبت امام در دل، موجب تقویت ایمان می گردد؛ **ب.** دعا، تجدید عهد و پیمان با حضرت است؛ **ج.** دعا، سبب زنده نگه داشتن یاد امام در دل است؛ **د.** کسی که به سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اهمیت بدهد، مسلماً آزدن حضرت نیز برایش سخت است؛ در نتیجه دعا برای سلامتی حضرت، انسان را به انجام دادن اعمالی وامی دارد که موجب خشنودی پروردگار متعال و آن امام می شود؛ **ه.** دعا، مسئله ای مهم و مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود.

۳. ابراهیم، آیه ۸.

خداوند بی‌نیاز ستوده است.

انسان بر اساس وظیفه و احتیاج به عنایت پروردگار، عبادت می‌کند و نماز می‌خواند؛ لذا کسی که نماز می‌خواند و شکرِ نعمت پروردگار را انجام می‌دهد، فواید بسیاری را نصیب خود می‌کند، زیرا:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛ اگر واقعاً سپاس‌گزاری کنید، بر نعمتِ شما خواهم افزود، و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود!

از نتایج دعا برای امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ، جلب توجه و عنایت خاص ایشان است. بنا بر آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۱، و آیه^۲ «وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا»^۳، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ علاوه بر بذل عنایات فراوان به شخص دعاکننده، در حق او دعا هم می‌کند.

شایان توجه است، بحث «فواید دعا» به معنای این نیست که حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ برای رسیدن به کمالات و سلامتی، به ما نیاز دارد؛ او تنها نیازمند به خداست و خداوند متعال نیز اگر بخواهد، لطف کرده و دعای ما را مقدمه و زمینه‌ای برای سلامتی آن حضرت قرار می‌دهد. ما معتقدیم، همه خوبی‌ها و خیرها به واسطه ایشان به ما می‌رسد و حتی دعا‌های ما هم به برکت ایشان مستجاب می‌شود؛ لذا مفید

۱. همان، آیه ۷.

۲. «مگر پاداش احسان، جز احسان است؟» الرحمن، آیه ۶۰.

۳. «و چون به شما درود گفته شد، شما به بهتر از آن، درود گویند، یا همان را [در پاسخ] برگردانید»؛ نساء، آیه ۸۶.

بودن دعا‌های ما، منافاتی با وساطت فیض از سوی ایشان ندارد. پس اگر گفته می‌شود دعای ما برای آن حضرت فایده دارد، منظور، آن فایده‌ای که درباره دیگران مطرح می‌شود، نیست، چراکه حجت الهی هیچ نیازی به ما ندارد. با این مقدمه، فواید قرائت این دعا را در دو بخش عرضه می‌کنیم:

الف. فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. رفع بلا

ائمه علیهم السلام بشر هستند؛ لذا سختی، گرفتاری و بلا متوجه آن‌ها نیز خواهد بود. برای مثال، در تاریخ آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ خیبر، مبتلا به چشم‌درد شدیدی شده بودند یا در زندگانی برخی اهل بیت علیهم السلام نوشته شده که طبیب برای رفع بیماری و معالجه آنان، به محضرشان رسیده است و یا این‌که ائمه علیهم السلام برای رفع بیماری خود دعا کرده‌اند. به طور کلی، امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان، ناراحتی، رنج و غصه‌های فراوانی را متحمل می‌شدند و برای رفع آن، به علل مادی و معنوی توسل پیدا می‌کردند؛ چنان‌که یک بار امام صادق علیه السلام بیمار شدند و از کسی خواستند به حرم امام حسین علیه السلام برود و برای رفع بیماری ایشان، در آن مکان مقدس دعا کند. آن شخص از امام می‌پرسد: «همان‌طور که امام حسین علیه السلام امام مفترض الطاعة هستند، شما نیز امام واجب الطاعة هستید؛ پس چرا باید در حرم امام حسین علیه السلام دعا کرد؟» از توضیحی که امام صادق علیه السلام به آن شخص دادند معلوم می‌شود، ایشان دعای انسانی

عادی زیرقبه سیدالشهدا علیه السلام را برای رفع بیماری خود، مؤثر می دانستند.^۱

بنا بر این روایت، دعا کردن برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف معنا و مفهوم می یابد و ما می توانیم برای رفع بلاها و جلب عنایات ایشان، برای سلامتی حضرتش دعا کنیم. البته خوب می دانیم که آنچه همه دردها و رنج های امامان را یک جا برطرف می کند، چیزی جز مژده ظهور از جانب خداوند نیست؛ پس بهترین دعایی که می توانیم برای رفع همه گرفتاری های آن حضرت بکنیم، دعا برای تعجیل در فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه دعاها و بیش از همه آن ها، برای تعجیل در فرج ایشان دعا می کنیم و می دانیم که اگر این دعا مستجاب شود، خواسته های دیگر نیز ضمن آن محقق می گردد.

۲. نزول برکات و عنایات الهی بر آن امام

یکی دیگر از فواید دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، اختصاص عنایات پروردگار به ایشان است. رحمت الهی بسیار گسترده و بی کران است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هم محدودیتی برای پذیرش این عنایات ندارد. صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام نیز در همین راستا مفهوم می یابد؛ حتی مستحب است که در

۱. «أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعاً يَسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ فَيُتْلِكَ الْبُقْعَةَ مِنْ تِلْكَ الْبِقَاعِ»؛ خداوند متعال مکان هایی دارد که دعا در آن جا مستجاب است، و حرم امام حسین علیه السلام یکی از آن مکان هاست؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۱، ح ۲.

تشهد، برای بالا رفتن درجه پیامبر ﷺ دعا کنیم.^۱

مطابق روایات، هر کس - حتی غیرمسلمان - برای پیامبر ﷺ

دعا کند، برای ایشان فایده دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

لَا تَسْتَحِقُّوْا دَعْوَةَ أَحَدٍ، فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لِلْيَهُودِي فِيكُمْ، وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ فِي نَفْسِهِ^۲؛ دعای هیچ فردی را کوچک نشمارید. به درستی که دعای یهودی در حق شما مستجاب می شود، اگرچه در حق خودش مستجاب نمی گردد.

لذا اگر ما گناه کار هم باشیم، باز دعای ما اثر دارد. اگر فایده ای

نداشت، خداوند متعال نمی فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۳؛ خدا و فرشتگان، بر پیامبر درود می فرستند. ای

کسانی که ایمان آورده اید! براو درود بفرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به ما گفته است: «برای من دعا

کنید.» دعای کسی در مرتبه پایین، در حق فردی بالاتر از خودش

اثر می کند. امام حسین علیه السلام به زینب کبری علیه السلام فرمود: «برای من

دعا کن.»

دعا، نوعی تشکر است. ما وقتی برای آن حضرت دعا

می کنیم، در حقیقت می خواهیم به ایشان بگوییم که دوستان

داریم.

.....
۱. گفتن ذکر «وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ» بعد از صلوات تشهد،

مستحب است؛ عروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

۳. احزاب، آیه ۵۶.

۳. تعجیل فرج

با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و گشایش در همه امور، غم و غصه ایشان نیز پایان می پذیرد؛ لذا در اواخر دعای سلامتی، برای ظهور و فرج ایشان نیز دعا می شود.

ناگفته پیداست که ما انسان ها می توانیم در تقدیم یا تأخیر ظهور حضرتش مؤثر باشیم. صریح ترین دلیل در این باره، روایت امام صادق علیه السلام است:

فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ صَلَّحُوا وَبَكُوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَظَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِائَةً سَنَةً؛ وقتی مدت عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجه زدند و گریه کردند، تا این که خداوند به موسی و هارون علیه السلام وحی فرمود که آن ها را از شر فرعون خلاص می کند؛ به این ترتیب، ۱۷۰ سال از عذاب ایشان کم کرد.

امام صادق علیه السلام پس از نقل این ماجرا فرمودند:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ^۴؛ وضع شما نیز همین گونه است؛ اگر چنین کنید، خداوند فرج ما را می رساند، اما اگر چنین نباشید، کار به آخرین حد خود خواهد رسید.

ب. فواید دعا برای دعاکننده

۱. کسب معرفت

در سایه دعا، شناخت بیشتر خداوند متعال، امکان پذیر

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۴۹.

خواهد بود. وقتی از خداوند چیزی درخواست می‌کنیم، به معرفتِ ما از او افزوده می‌شود. هنگامی که برای حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف نیز چیزی می‌خواهیم، معرفت ما دربارهٔ ایشان بیشتر می‌شود، زیرا نمی‌شود که امام را شناخت و برای او دعا کرد؟! قطعاً این‌گونه دعاها، در عمق بخشیدن به معرفت تأثیرگذار است.

۲. آرامش روانی

یکی از بهترین راه‌های از بین بردن اضطراب و به دست آوردن آرامش، دعا و راز و نیاز با خداست، چراکه دعا برقراری ارتباط بنده با خداست؛ خدایی که بر هر کاری تواناست. این ارتباط، انسان را امیدوار و به قدرتی برتر، دل‌گرم می‌کند. ضمن آن‌که دعا برای امام، مایهٔ آرامش انسان نیز می‌گردد، زیرا وقتی ما به فکر او باشیم، او نیز به یاد ماست، و این مسئله در بهداشت روان ما مؤثر خواهد بود.

۳. از بین بردن خودخواهی

می‌دانیم که برای استعجاب دعا، بهتر است انسان ابتدا برای دیگران دعا کند؛ چنان‌که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «وقتی کسی از شما دعا می‌کند، آن را عمومیت دهد و برای دیگران هم دعا کند، چراکه موجب استعجاب دعاست.»^۱ هم‌چنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «هر کس چهل مؤمن را پیش از خود دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود.»^۲

۱. همان، ص ۴۸۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۰۹.

طلب خیر و سلامتی برای دیگران، در واقع، مبارزه درونی با انحصارطلبی و خودخواهی نفس است. اگر خود و خواسته‌هایمان را فراموش کرده و امام را بر همه خواسته‌های خود مقدم کنیم، معلوم می‌شود که از خودخواهی فاصله گرفته‌ایم.

۴. نجات از دوزخ

رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

در قیامت، امر می‌شود که عده‌ای را به جهنم ببرند، اما خداوند به مالک جهنم سفارش می‌فرماید: «به آتش بگو: پاهایشان را نسوزاند، چون با آن به مساجد می‌رفتند؛ صورتشان را نسوزاند، چون وضو می‌گرفتند؛ و دست‌هایشان را نسوزاند، چون آن‌ها را هنگام دعا بالا می‌گرفتند...»^۱.

خودتان قضاوت کنید؛ اگر کسی مهر امام را در دل داشته باشد، زبانش دعاگوی آن حضرت باشد و دست‌های نیازمندش را برای دعا در حق ایشان بالا ببرد، آیا خداوند متعال با لطف و کرم بیشتری با او برخورد نمی‌کند؟!

۵. افزایش میل به فعالیت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دعای چهار نفر اجابت نمی‌شود؛ یکی از آن‌ها کسی است که در خانه بنشیند و از خدا روزی طلب کند...»^۲. کسی که واقعاً چیزی را از خدا طلب می‌کند، باید حداکثر شرایط اجابت آن را فراهم کند.

۱. عوالمی اللالی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۱۱.

یکی از آن شرایط، انجام فعالیت در راستای تحقق هدف همراه با دعاست.

انسان منتظری که در بهترین حالت‌های خود، یادِ امام را در دل و جان شکوفا می‌کند و برای برترین مخلوق این عصر، بهترین خواسته‌ها را از خداوند مسئلت می‌کند، در میدان عمل و برای تحقق خواسته‌های خود چگونه باید باشد؟ آیا خواستن بدون اقدام، توجیه‌پذیر است؟! حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَرٍ»^۱؛ دعاکننده بدون عمل، به تیرانداز بدون زه می‌ماند.

در روایت زیبایی، همین مسئله پس از انتظار فرج ذکر شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وَأَفْضَلُ عَمَلِ الْمَرْءِ إِنْتِظَارُهُ فَرَجَ اللَّهِ وَالدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَرٍ»^۲

اگر کسی انتظار گشایش از سوی خدا دارد، قلب و تمام اعضا و جوارح او نیز باید با زبانش همراه شوند. اگر کسی به همسر و همکارش ظلم کند، اما در دل شب بارها از خداوند متعال بخواهد که ظلم را از او دفع فرماید و ظالم را بر او مسلط نکند، هرگز خواسته‌اش پذیرای درگاه الهی نخواهد بود، زیرا او با عملش می‌گوید که ظلم خوب است. به عبارت دیگر، عمل نوعی دعاست؛ اگر کسی خیرخواه دیگران است، با زبان

.....
۱. خواستن بهشت بدون عمل نیز حماقت است: «طَلَبُ الْجَنَّةِ بِلَا عَمَلٍ حُمَقٌ... طَلَبُ الْمَزَاتِبِ وَ الدَّرَجَاتِ بِلَا عَمَلٍ جَهْلٌ»؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۱۸.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۳۳۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶۰ و ۲۰۸.

بی‌زبانی از خداوند متعال می‌خواهد که به او خیر برساند. بنابراین، کسی که برای حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الشَّرِيفَ دعای سلامتی می‌خواند، باید برای تحقق خواسته‌اش کوشا باشد و از اعمالی که سلامتی را برای امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ الشَّرِيفَ به ارمغان می‌آورد - مانند صدقه دادن - غفلت نرزد. صاحب مکمال المکارم، وظیفه بیست و سوم و بیست و چهارم منتظر را به همین مسئله اختصاص داده و گفته است: «صدقه دادن به نیابت از آن حضرت و به قصد سلامتی ایشان، از وظایف منتظران است.»^۱

۶. محبوبیت نزد خدا

انجام هر عبادتی، انسان را محبوب درگاه حق تعالی می‌کند، و «دعا» یکی از آن عبادات و بلکه افضل آن‌هاست. کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم باشد، مسلماً آرزو آن حضرت برایش سخت است؛ در نتیجه، دعا کردن برای سلامتی آن حضرت، انسان را به انجام کارهایی وامی‌دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه، سبب رسیدن به مقام رضوان الهی است.

خداوند در قرآن کریم، از حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به خاطر دعا کردنش، تعریف و تمجید کرده است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ».^۲ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در بیان تفسیر این آیه می‌فرماید: «"آواه" کسی است که بسیار دعا می‌کند.»^۳ در دستور قرائت

۱. مکمال المکارم، ج ۲، ص ۳۰۱ و ۳۰۹.

۲. هود، آیه ۷۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۹.

این دعا نیز آمده است: «مَتَّى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ»؛ از این رو، مناسب است که آن را زیاد بخوانیم.

۷. توجه به اصلاح جامعه

دین اسلام، همه ابعاد زندگی اجتماعی و فردی انسان را مورد توجه قرار داده، و همه افراد را نسبت به یک دیگر و جامعه، مسئول دانسته است. این مسئولیت در قالب تکلیف به «امر به معروف و نهی از منکر»، به عنوان یکی از فروع دین، واجب شده است و یکی از شرایط استجابت دعا به شمار می آید.

حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خداوند دعایتان را مستجاب کند.»^۱ ایشان هم چنین در وصیت خود به فرزندانشان فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید؛ مبادا خداوند، اشرار امت را بر شما مسلط کند و سپس هرچه دعا کنید، اجابت نشود!^۲

۸. معنوی شدن جامعه

از آثار مهم دعا، معنوی شدن جامعه اسلامی است. جامعه ای که راز و نیاز و درخواست از خدا در آن متبلور باشد، قطعاً جامعه ای است که معنویت در آن موج می زند و این امر برای ساخت فضای ظهور، بسیار مناسب خواهد بود.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۶۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.



شرایط استجابت دعا

دعاکننده باید ابتدا خویش را به درجهٔ اجابت دعا برساند، سپس دعا کند. آماده کردن شرایط دعا، خود، موجب آماده شدن شرایط ظهور می‌گردد. برخی از این شرایط عبارتند از:

۱. بندگی خدا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ و هرگاه بندگام از تو دربارهٔ من پرسند [که نزدیکم یا دور؟ بگو]: بی‌گمان من نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند، اجابت می‌کنم. پس باید مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند؛ باشد که به رشد خود برسند.

بنابراین برای استجابت دعا، ابتدا باید بندهٔ خدا شد. بندهٔ خدا شدن، یعنی آن‌که انسان کاملاً مطیع خدا شود و تمام کار و عملش در جهت جلب رضای او باشد. این نیت، به تمام کارهای انسان جهت‌دایی می‌دهد و همه چیز در مسیر الهی قرار می‌گیرد و جامعه، جامعه‌ای الهی می‌شود.

۲. اقتصاد حلال

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

خدای عظیم به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد: «من شش چیز را در شش چیز قرار دادم، اما مردم در جاهای دیگر به دنبال آن می‌گردند. یکی از آن‌ها این است که من استجابت دعا را در

.....
۱. بقره، آیه ۱۸۶.

روزی حلال قرار داده‌ام، اما مردم در سروصدا و گریه دنبالش می‌روند و به آن نمی‌رسند.»^۱

کسب روزی حلال، خود، مقدمه اصلاحات گسترده‌ای در زمینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی خواهد شد؛ گران‌فروشی، کم‌فروشی، ربا و... به فراموشی سپرده می‌شود و انسان برای کسب لقمه حلال سعی خواهد کرد که کار و فعالیتش را از غش خالی کند و در برابر حقوقی که از بیت‌المال می‌گیرد، کارش را به نحو احسن انجام دهد. با این کار، همه افراد، هم اصلاحات اقتصادی انجام می‌دهند و هم کار خود را به سوی اصلاح پیش می‌برند.

منشأ بسیاری از مفاسد و گناهان در جامعه، اقتصاد است. علت اصلی وجود ربا، کلاه‌برداری‌های آن‌چنانی، اختلاس، رشوه و دیگر مفاسدی که چهره جامعه را سیاه کرده، مسائل اقتصادی است. وقتی انسان بداند که این روش‌های ناسالم، تأثیری منفی بر معنویت او دارد و تصمیم بر ترک آن بگیرد و لقمه حلالی به دست آورد، ریشه اصلی این مفاسد را قطع خواهد کرد.

۳. ترک گناه

دعای انسان گناه‌کار مستجاب نمی‌شود. حضرت موسی علیه السلام از راهی می‌گذشت. مردی در حال سجده بود و دعا می‌کرد. حضرت رفت و برگشت و دید که آن شخص

۱. «اتى وَصَعْتُ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي لُقْمَةِ الْحَلَالِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الْقِيلِ وَالْقَالِ»؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

هنوز در حال سجده است و دعا می‌کند. عرض کرد: «خدایا! اگر من بودم، دعایش را مستجاب می‌کردم.» وحی آمد: «ای موسی! اگر او تا آخر عمر هم در سجده باشد، دعایش را مستجاب نمی‌کنم، چون اهل گناه است!» لذا انسان برای استجابت دعایش، چاره‌ای جز ترک گناه ندارد و این مسئله باعث می‌شود دامنهٔ فساد، ظلم و گناه از جامعه برچیده شود و جامعه‌ای سالم به وجود بیاید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



کتاب نامه

- سيد رضى، نهج البلاغه، بيروت، دارالاسوة، ١٤١٥ق.
- على بن الحسين (ع)، صحيفه سجاديّه، ترجمه: سيد صدرالدين بلاغى، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٩ش.
- شيخ عباس قمى، مفاتيح الجنان، قم، روح، ١٤٢٨ق.
- ابن طاووس، على بن موسى، اقبال الأعمال، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٤٢٦ق.
- جمال الأسبوع، قم، رضى، بى تا.
- ، فلاح السائل، تهران، چاپ و نشر بين الملل، اول، ١٣٨٦ش.
- ، مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٧ق.
- ، مهج الدعوات، قم، دارالذخائر، ١٤١١ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على، المناقب، قم، ذوى القربى، دوم، ١٤٢٨ق.
- ابن عربى، محيى الدين، فتوحات مكيه، بيروت، دارالوفاء، ١٤٢٨ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقائيس اللغة، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ١٤٢٩ق.
- ابن مشهدى، المزار الكبير، قم، القيوم، ١٣٧٧ش.
- احساى، ابن أبى جمهور، عوائى الآلى، تحقيق: مجتبى عراقى، قم، سيد الشهداء، اول، ١٤٠٣ق.
- امينى، عبدالحسين، الغدير فى الكتاب والسنة والادب، قم، مركز الغدير للدراسات، ١٤١٦ق.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تهران، دارالكتب اسلاميه، ١٣٧٠ش.

- بلستانی، علامه محسن علی، *النهج السوی فی معنی المولی والولی*، ترجمه: سیدمرتضی موسوی گرمارودی، بنیاد بین المللی غدیر.
- بنی هاشمی، سید محمد، *مناجات منتظران*، تهران، منیر، دوم، ۱۳۸۹ ش.
- جبران، مسعود، *الرائد*، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۳ ش.
- جمعی از نویسندگان، *فصل نامه انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
- جواد، عباس، *الأنوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸ ش.
- جوادى آملی، عبدالله، *توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها در محضر آیت الله، قم، معارف، بی تا.*
- حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، تهران، دارالکتب، ۱۴۲۹ ق.
- -----، *امل الآمال فی علماء جبل عامل*، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- -----، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- حرّانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین، *تأویل الآيات الظاهرة*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
- حلی، رضی الدین علی بن یوسف، *العدد القویة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ ق.
- حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف، مطبعة حیدریه، ۱۳۷۰ ش.

-----،/ايضاح الإشتباه، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۷۸ش.

- خزاز قمی، محمد بن علی، کفایة الاثر، قم، بيدار، ۱۴۰۱ق.

- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بيروت، دارالوفاء، ۱۴۲۵ق.

- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، قم، شریف مرتضی، ۱۴۱۲ق.

- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک، قم، نبوغ، ۱۳۸۵ش.

- شفیعی، حسن، آیت بصیرت، قم، پارسایان، ۱۳۷۶ش.

- شیخ مفید، الإرشاد، بيروت، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق.

- صافی گلپایگانی، لطف الله، ماه مبارک رمضان، مكتب عالی اخلاق و تربیت، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۸۷ش.

- صدوق، محمد بن علی بن حسین، آمالی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ش.

-----، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷ش.

-----، معانی الأخبار، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۶۱ش.

-----، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، دوم، ۱۴۲۵ق.

- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.

- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، قم، مصطفوی، بی تا.

- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسين، پنجم، ۱۳۷۴ش.

- طبرسی، فضل بن حسن، الإحتجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.

-----، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو،

سوم، ۱۳۷۲ ش.

-----، مکارم الأخلاق، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری،
فراهانی، ۱۳۸۱ ش.

- طبسی، محمدجواد، بامداد بشریت، قم، جمکران، ۱۳۸۵ ش.

- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دارالکتب الاسلامیه،
تهران، ۱۳۶۵ ش.

-----، غیبت، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

-----، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه،
۱۳۶۹ ش.

- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم،
اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.

- عیاش سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران،
چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.

- قرائتی، محسن، زندگی مهدوی در سایه دعای عهد، قم، بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۲ ش.

-----، قرآن و تبلیغ، تهران، درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۵ ش.

- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

- قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر الجامع لأحكام القرآن، تهران،
ناصرخسرو، اول، ۱۳۶۴ ش.

- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۳۸۴ ش.

- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، بیروت، دارالاسوة،
۱۴۲۵ ق.

- کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، بیروت، دارالاسوة، ۱۴۲۸ ق.

- کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین، بیروت، البلاغ، ۱۴۲۸ق.
- - المصباح کفعمی، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الإمام المهدي، قم، مؤسسه معارف اسلامیه، ۱۴۲۵ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحكم والمواعظ، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶ش.
- مجتهدی سیستانی، سیدمرتضی، صحیفه مهديه، قم، حاذق، ۱۳۸۵ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- - مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴ش.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۴ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، أمالی، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نوید، ۱۳۸۵ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- - حکومت جهانی حضرت مهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه

امير مؤمنان عليه السلام، قم، ١٣٨٥ ش.

- موسوى اصفهانى، محمد تقى، كنز الغنائم فى فوايد الدعاء للقائم، يزد،
مؤسسه مهديه، ١٣٦١ ش.

-----، مكيال المكارم، قم، جمكران، ١٣٨٥ ش.

- نجاشى، احمد بن على، الرجال، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٨ ق.

- نجفى، سيد بهاء الدين، منتخب الانوار المضيئة، قم، مؤسسه امام
هادى عليه السلام، اول، ١٤٢٠ ق.

- نعمانى، محمد بن ابراهيم، غيبت نعمانى، تهران، دارالكتب
الاسلامية، ١٣٦٥ ش.

- نورى، ميرزا حسين، نجم الثاقب، قم، جمكران، ١٣٨٧ ش.

-----، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت،
١٤١٧ ق.

- هيثمى، نورالدين، مجمع الزوائد، بيروت، دارالكتب، لبنان، ١٤٠٨ ق.

